هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



ای کاش می گرفت به جای تو دست مرگ

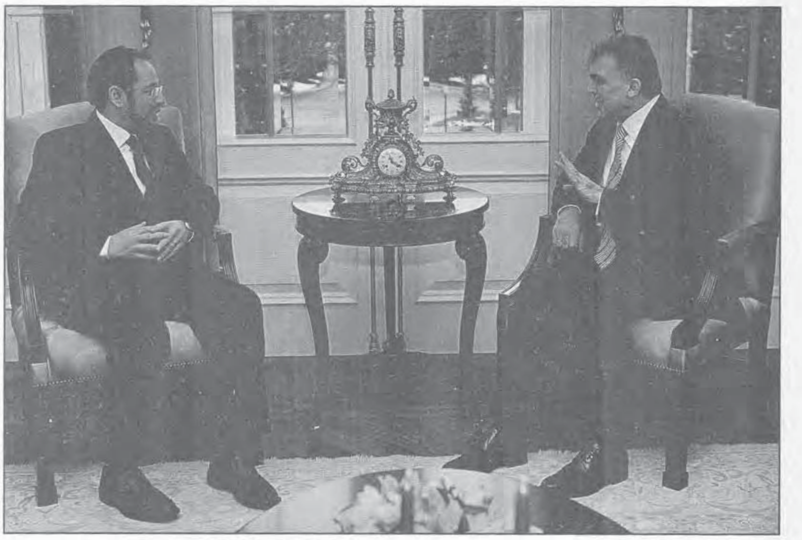
جان تمام قوم و تمام قبیله را

استاد شهید برترین نماد و جمع آمدی از سیاست ورزی خردگرای اسلامی و خرد سیاست ورز اسلامگرا در سه دههٔ اخیر در جهان اسلام، منطقه و افغانستان بودند.

ص۷

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ بیست و نهم ۱۷ جدی ۱۳۹۰ ۱۲ صفرالمظفر ۱۴۳۳ – 7 January 2012

دیدار دوستانهٔ صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان با عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه



براساس گزارش های واصله از ترکیه، هفتهٔ گذشته صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان هنگام دیدارش از ترکیه، با عبدالله گل رئیس جمهور آن کشور دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی افغانستان و سفیر افغانستان مقیم آن کشور، روابط افغانستان و ترکیه را در مرحله های مختلف تاریخی دو ملت با هم برادر برشمرده و از همکاری های ص۲

به تقریب هشتمین سالگرد توشیح قانون اساسی افغانستان

در تاریخ زندگی خانوادهٔ بشری از آن دوران که زندگی از حالت های هرج و مرج و لجام گسختگی به حالت یک زندگی نظام مند و قانونمدار _ چه در سطح قانون غیرمدون چون عرف ها و رسم و رواج ها و چه در چهارچوب قانون مدون که به روایات تاریخی همان قانون حمورایی در دوهزار سال قبل از میلاد می باشد- وارد گردیده همواره متون قانون و مواد مندرج درآن، زندگی واقعی مردم تفاوت های در سطوح مختلف وجود داشته که این تفاوت ها در بسا موارد، موجب بحران بی اعتمادی در جامعه و چالش های را متوجه آن کرده است.

در دوران معاصر که شعار زندگی قانونمند در فضای زندگی اقوام و ملل ساکن این ستارهٔ خاکی طنین انداز بوده و شاخص عمدهٔ عصر جدید را نسبت به عصرهای گذشته تشکیل می دهد، بازهم دیده می شود که طیف های مختلف جوامع انسانی از تخطی های قانونی گلایه سر داده و قانونگذاران و منادیان تطبیق قانون را در سطوح نهاد های اجرائی قانون، آماج انتقادها قرار می دهند. ص۲

تناقض میان تلاش های صلح و پیمان های استراتژیک

◆ **وحید مژده**

به دنبال بن بست در امضای پیمان استراتژیک میان امریکا و افغانستان، دولت افغانستان از امضای پیمان استراتژیک با بعضی از کشورهای دیگر از جمله انگلستان، فرانسه، ایتالیا و اتحادیهٔ اروپا سخن گفته است. سوال اینست که دولت با امضای چنین پیمان ها، چه هدفی را دنبال می کند؟

در مورد پیمان استراتژیک با امریکا گفته شده که این پیمان باید حضور نیروهای امریکایی را بعد از سال ۲۰۱۲ قانونمند بسازد. نیروهای امریکایی باید از عملیات خودسرانه و بازرسی های شبانه دست بردارند، اما امریکا به این باور است که این گونه عملیات دستآوردهای خوبی داشته است. این درحالیست که لویه جرگهٔ عنعنوی هم با این اقدام امریکا به شدت مخالفت کرد و آنرا یکی از عوامل عمدهٔ جدائی مردم از حکومت دانست.

عدم توافق بر سر این موضوع موجب شده تا امضای این قرارداد به تعویق افتد و اکنون مشخص شده که بعد از تعطیلات سال نو در امریکا، این مذاکرات از سر گرفته خواهد شد.

اما سوال دیگر در مورد امضای قرارداد با کشورهای است که قصد ادامهٔ حضور نظامی در افغانستان را ندارند. قراردادهایی که این کشورها با افغانستان امضاء می کنند، بیشتر یک تعهد اخلاقی است و ممکن نیست که این کشوها علاقه ای به گنجانیدن موادی در این توافقنامه ها داشته باشند که تعهد نظامی آنان در مورد افغانستان را در قبال داشته باشد. کشوری با آیندهٔ سیاسی نامشخص، برای هیچ کشور در جهان دلچسب نیست.

هم دولت افغانستان و هم اتحادیهٔ اروپا و انگلستان با امضای این گونه قرارداد می خواهند به مردم افغانستان اطمینان بدهند که بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، این کشور به فراموشی سپرده نخواهد شد. پس می توان گفت که تاثیرات روانی امضای این قراردادها روی مردم افغانستان بیشتر مطمح نظر است. با این تفصیل، این قراردادها فقط تعهد اخلاقی کشورهای دیگر را به افغانستان نشان می دهد اما الزامیتی را متوجه آن کشورها نمی سازد.

از جانب دیگر موضوع مهم و قابل توجه، به میان آمدن یک دفتر سیاسی برای طالبان در قطر است. ص۳

بارک اوباما راهبرد جدید نظامی کشورش را اعلام کرد



رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا با تاکید بر کاهش بودجهٔ نظامی راهبرد جدید نظامی این کشور را اعلان نمود. و در عین حال او در خطاب به رهبران نظامی امریکا، گفته است که راهبرد ارتش امریکا با مقتضیات و نیازمندی های قرن ۲۱ سازگار است. به گفتهٔ رئیس جمهور اوباما پیشرفت های نظامی اخیر سبب شده است که این کشور بار دیگر راه را برای تحولات در ارتش باز کند.

آقای اوباما تصریح کرد: " پیروزی ها، کشور ما را بار دیگر به مرحلهٔ تحول سوق داده است. هر چند سربازان ما در افغانستان در جنگ می باشند ولی جنگ رو به خاموشی نهاده است". رئیس جمهور امریکا گفت. در حالی که قوای ما در ماموریت های امروزهٔ خود پیروز می شوند، با آنهم همه مسوولیت داریم به پیش نگاه کنیم و از طریق امکانات و ظرفیت ها دارای نیرویی باشیم که در آینده به آن نیاز داریم.»

رئیس جمهور اوباما اظهار داشت قانون کنترول بودجه که کانگریس سال گذشته آن را تصویب کرد، زمینه را برای محدود ساختن بودجه مساعد می سازد، از جمله محدود ساختن مصارف نظامی. در این ستراتیژی به گفتهٔ رییس جمهور اوباما حضور نظامی امریکا در منطقهٔ آسیا- پاسفیک تقویه می شود و سرمایه گذاری ها در مشارکت ها و پیمانهای حساس امریکا مانند پیمان ناتو ادامه می یابد.

رئیس جمهور اوباما گفت: با نگاهی به ماورای جنگ افغانستان و عراق و ختم دولت سازی ها با قوهٔ نظامی، امریکا می تواند با یک قوهٔ خورد تر زمینی امنیت خود را حفظ نماید. او گفت، امریکا می خواهد سیستم های کهنهٔ دوران جنگ سرد را کنار بگذارد و بر توانایی های که در آینده نیاز است، تمرکز کند، از جمله استخبارات، نظارت، کشفیات، مبارزه با تروریزم، مقابله با اسلحهٔ کشتار جمعی و توانایی کار در یک فضایی که مخالفین می خواهند امریکا را از آن محروم بسازند.

افغانستان و جهان اسلام

ص۳

***

رهبری عملیات شبانه به نیروهای ویژهٔ داخلی گامی به جلو

ص۵



رویدادهای مهم افغانستان و جهان در سال ۲۰۱۱

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ /۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

تأکید و رد عملیات های شبانه

عملیات هـای شـبانه و تلاشـی منـازل مـسکونی توسـط نیروهای قوای خـارجی، معـضله ایـست کـه سـال هاسـت ادامـه دارد و باشندگان برخی ولایات کـشور مـا ازیـن ناحیـه رنـج مـی برند. مردم بی گناه کـشته مـی شـوند، بـر حـریم شـان تجـاوز صورت می گیرد و در رعب و تـرس بـسر مـی برنـد. کـه تجـاوز و بدون اذن داخـل منـازل مـسکونی شـدن، آنهـم بـا سـازوبرگ نظامی، مخالف قوانین افغانستان و جهان می باشد.

در ایـن اواخـر، در ولایـات قنـدهار، کاپیـسا و پکتیـا در اثـر عملیـات شـبانهٔ نیروهـای خـارجی تعـدادی از هموطنـان مـا صـدمه دیـده انـد کـه واکـنش سـخت مـردم را در پـی داشـته است و رئیس جمهـور هماننـد گذشـته، تـأثرش را در دیـدار بـه متـضررین ولایـات متـذکره نـشان داده گفتـه اسـت کـه، تـا خـارجی هـا از عملیـات هـای شـبانه دسـت بـردار نـشوند، موافقتنامهٔ استراتژیک را بـا امریکـا امـضاء نخواهـد کـرد. گرچـه سالهاست کـه مقامـات کـشور بعـد از ایـن کـه برخـی مـردم در اثـر عملیـات هـای شـبانه و یـا حتـی از طـرف روز و در محافـل شـاد و غـم شـان صـدمه مـی بیننـد، در برابـر عملیـات هـای خارجی ها واکنش نـشان مـی دهنـد، کمیـسیون بررسـی تعیـین می کنند، همدردی نشان مـی دهنـد، مـساعدت هـایی را درنظـر می گیرند. اما نیروهـای نـاتو در مـورد متوقـف سـاختن عملیـات هـای شـبانه تـن در نمـی دهنـد و عملیـات هـای شـبانه را در تعقیـب نیروهـای مـسلح مخـالف، طالبـان و مبـارزه علیـه تروریزم مفید می خوانند.

در جرگهٔ سـنتی کـه مـاه پـیش بـا حـضور بـیش از دوهـزار تن در کابل دایر گردیـده بـود و بـا صـدور قطعنامـهٔ ۷٦ مـاده ای پایان یافت، در ماده های شـشم و هفـتم آن در ارتبـاط ایـن کـه جلو عملیات هـای خودسـرانه و تلاشـی هـای خانـه هـای مـردم گرفتـه شـود، آمـده بـود: «رهبـری تمـام عملیـات هـا بایـد بـه رهبری افغان ها باشـد و از هـر نـوع عملیـات هـای خودسـرانه و بـدون همـاهنگی جلـوگیری نماینـد و بـه حاکمیـت ملـی افغانـستان احتـرام بگذارنـد. بـدون داشـتن مجـوز وارد خانـه های مردم ملکی نشوند.»

آنچـه مهـم اسـت و در طـول ده سـال مـردم مـا رنـج مـی برنـد، عـدم قانونمندسـازی نیروهـای خـارجی در کـشور اسـت. خارجی هایی که به نـام مبـارزه بـا تروریـزم بـه کـشورما آمـده انـد و مـصارف هنگفتـی را در ایـن جنـگ مـی پردازنـد و تلفـات مـی دهنـد، در کـشور محتـاجی چـون افغانـستان، بـه قـانون و مقررات و خریطه های نظـامی خـود عمـل مـی کننـد و بـه گفتـه هـا و اعتراضـات دولـت و مـردم افغانـستان کمتـر توجـه و بهـا می دهند. دیـده شـد کـه در عرصـهٔ صـلح و ایجـاد دفتـر بـرای طالبان در قطر، امریکا بدون مـشوره بـا دولـت افغانـستان عمـل کرد و حتی اعلام داشت که با طالبان دشمنی ندارند.

از آنجایی کـه در کـشوری چـون افغانـستان، مطـابق عـرف و شرع، تلاشی و داخل شدن بـدون اجـازه بـه خانـه هـای شـان، امریست غیر قابل قبول، چه رسد بـه ایـن کـه بگیرنـد و بکـشند و ببندنـد و وحـشیانه از طـرف شـب بـالای شـان هجـوم بـرده شود، ایـن عملـی اسـت کـه مـردم را در برابـر دولـت و جامعـهٔ جهانی بدبین می سازد و سود آن را مخالفان خواهند برد.

شاید در برخی خانه هـای کـه مـورد هجـوم عملیـات شـبانه و یا روزانه قرار می گیرد مخلفـان حـضور داشـته باشـند، امـا بـا دولـت و نیروهـای ناتوسـت تـا در عملیـات هـا، در تبـادل اطلاعات باهم همـاهنگی لازم داشـته باشـند تـا مـردم بیـدفاع و ملکی هدف قرار نگرفته و متضرر نشوند.

احمد فهیم

به تقریب هشتمین سالگرد توشیح قانون اساسی افغانستان

ادامه از صفحهٔ اول



افغانـستان هـم یکـی از کـشورهای اسـت کـه بعـد از تحـول جدیـد در همکـاری بـا جامعـه جهـانی صـاحب قـانون اساسـی گردیـده و طلایـه داران ایـن حرکـت تقنینـی و قانونمنـد سـاختن زنـدگی مـردم در عرصـه هـای مختلـف سیاسـی، اجتمـاعی، اقتـصادی و بـه ارائـهٔ تـصویری مدینـه فاضلـه در برابـر مـردم بحـران زدهٔ ایـن کـشور پرداختـه در مقـام ناجیـان بـه اصـطلاح قربانیـان دوران هـای لاقـانونی جا زدند.

بـه هـر صـورت مـردم افغانـستان بعـد از بحران هـای تحمیـل شـده بـراین کـشور از قـانون اساسـی برخـوردار گردیدنـد کـه بـه مقتـضای مـوارد آن، حقـوق و وجائـب شـهروندان ایـن سـرزمین تعیـین و مـشخص شـده و خطـوط اساسـی یـک زنـدگی مرفـه و آرام بـرای باشـندگان ایـن کشور ترسیم گردید.

ایـن کـه ایـن قـانون اساسـی در چـه سـطحی بـه حیـث یـک قـانون خـالی از کاسـتی هـا و نـواقص مـی باشـد، بحـث جداگانـه ای اسـت کـه ایـن نوشـتار گنجایش آن را نـدارد، ولـی در هـر شـکل و محتـوای کـه باشد، بـازهم بـه حیـث یـک قـانون اساسـی، خـلای قـانونی کـشور را پرنمـوده و مـردم آن را، در چهـارچوب یـک وثیقهٔ ملی، بـه دیدهٔ احتـرام مـی نگرنـد و چـشم امیـد بـه تطبیـق مـواد آن در بخـش هـای مختلـف سیاسـی، اجتمـاعی و فرهنگـی ... بـه ویـژه مـادهٔ پـنجم و شـشم، آن که تصریح مـی کنـد:" دولـت بـه ایجـاد یـک جامعـهٔ مرفـه و مترقـی بـر اسـاس عـدالت اجتمـاعی، حفـظ کرامـت انـسانی، حمایـت حقـوق بـشر، تحقـق دموکراسـی، تـأمین وحـدت ملـی، برابـری بـین همـه اقـوام و قبایـل و انکـشاف متـوازن در همـه منـاطق کـشور مکلـف مـی باشـد" دوختـه اند.

اما این که مواد ایـن قـانون در چـه حـدی در زنـدگی احـاد ایـن جامعـهٔ مظلـوم و محروم تطبیق گردیـده، پرسـشی اسـت کـه بایـد پاسـخ آن در واقعیـت هـای زنـدگی مردم پیدا کرد.

امروز نه تنهـا احـاد مـردم در طیـف هـای مختلـف از نقـض قـانون فریـاد مـی کـشند که حتا نهادهـای اجرائـی و عناصـر کلیـدی نظام هـم نقـض قـانون را بـه نـشخوار مـی گیرند.

حال بایـد پرسید کـه عوامـل ایـن نقـض قـانون کـه همـه از آن نوحـه سـرائی مـی کننـد در کجـا ریـشه داشـته و از کـدام مرجعی پشتیبانی می شوند.؟

آیـا ایـن ناقـضان قـانون از پـشتیبانی قـدرت هـای خـارجی ذینفـع در افغانـستان برخوردارنـد و یـا ایـن ناقـضان قـانون در تبـانی بـا مراکـز قـدرت بـه نقـض قـانون پرداختـه و از هـر گونـه محاسـبه و بـازپرس برکنار اند؟

بدون شک همه بـه یـک آواز مـی گوینـد کـه ناقـضان همـان گونـه کـه از حمایـت و پـشتیبانی در سـطح داخلـی برخوردارنـد، بـا قدرت های بیرونی نیـز در تبـانی بـوده و بـا استفاده از ایـن پـشتیبانی هـا و حمایـت هـا به تاراج سرمایه های مـادی و معنـوی ایـن کـشور مـی پردازنـد و ایـن تـاراجگران تنهـا در محـدودهٔ تـاراجگران سـرمایه هـای مـادی قـرار نداشـته، بلکـه عرصـه هـای فرهنگی و اخلاقی را نیز احتوا می کند.

نقض قانون اساسی را نمـی تـوان بـا ایـن نوحـه سـرائی هـا مـداوا کـرد و چـه بـساکه همـین نوحـه سـرایان در نقـض ایـن وثیقـهٔ ملی به نام قانون اساسی اثرگذار باشند.

مـداوا و درمـان ایـن درد را بایـد درگـام نخـست در ایجـاد روحیـهٔ تعهـد ملـی و تربیـهٔ کادرهـای متعهـد در چـارچوب نهادهـای اجرائـی و قـضائی کـشور و مراعـات اجـرای عـدالت در تطبیـق قـانون بـدور از ملاحظـات و وابـستگی هـای سـمتی، تبـارگرائی قـومی، قبیلـوی و گروهـی و مجـازات ناقـضان قـانون در هـر سـطی کـه قـرار داشـته باشـند، بـدون ملاحظات... تدارک دید.

سخن اخیر هم در ایـن راسـتا ایـن کـه بـا سـازوکار و روش هـای کـلاه بردارانـهٔ کنونی که هر نهـادی چـه در سـطوح دولـت و چـه در سـطوح مؤسـسات خـصوصی در پی تأمین منافع قـومی و گروهـی خـود مـی باشد، حرف تطبیـق قـانون و کـار در جهـت تأمین منـافع ملـی و پاسـداری ازآن، حرفـی اسـت تهـی و فاقـد محتـوا. بـه امیـد آن روزی کـه قـانون تطبیـق گـردد و ناقـضان قانون به کیفر اعمال خود برسند.

دیدار دوستانهٔ صلاح الدین ربانی...

دولـت و مـردم ترکیـه در دوران جهـاد و در ده سال اخیـر ابـراز امتنـان و قـدردانی نمـوده است.

در ایـن دیـدار سرپرسـت رهبـری جمعیـت اسـلامی افغانـستان ابـراز امیـدواری کـرد کـه بـا همکـاری صـادقانه و مـسؤولانهٔ برخـی کـشورهای منطقـه، بـه ویـژه کـشور ترکیـه بتواننـد، پرونـدهٔ شـهادت رهبـر جهـاد و مقاومـت مـردم افغانـستان را پیگیـری و عوامل آن را مورد شناسایی قرار دهند.

عبـدالله گـل رئـیس جمهـوری ترکیـه بـا یـاد آوری از رهبـر فقیـد جهـاد و مقاومـت مـردم افغانـستان بـه عنـوان شخـصیت بـزرگ جهـان اسـلام، ابـراز امیدواری کـرد کـه بـا همکـاری مـسؤولانه برخـی کـشورهایی کـه در یـافتن سـرنخ های پرونـدهٔ تـرور رهبـر جهـاد و مقاومـت مـردم افغانـستان، شـهید صـلح اسـتاد برهـان الـدین ربـانی بتواننـد کمـک کننـد، به نتایج مطلوب دست یابند.

رییس جمهـوری ترکیـه تأکیـد کـرد کـه همکـاری هـای ترکیـه بـا دولـت و مـردم افغانستان همچنان ادامه خواهد یافت.



افغانستان و جهان اسلام

سید محمد خیرخواه

جهان اسلام اصطلاح و تعبیری است بر سرزمین های اطلاق میشود که اکثریت ساکنین آنها را مسلمانان تشکیل میدهند. بعد از آمدن اسلام در افغانستان این سرزمین در توسعه ونشرفرهنگ وتمدن اسلامی خدمات شایانی را انجام داده وشخصیت های بزرگی را بجهان اسلام تحویل نموده ودر زمان بحران وتعرض به دین اسلام همیشه این سرزمین بعنوان سنگر داغ دفاع از اسلام قرار گرفته است چنانچه تاریخ معاصر ما شاهد آن است که افغانستان در مقابل هژمنه وهجوم اعتقادی فکری سیاسی ونظامی کمونیزم چه قربانی های فراوانی داده که با الآخره بعد از سه دهه جنگ ومبارزه بی امان بیاری خدای بزرگ وثمرۀ خون شهداء گلگون قبای افغانستان توانسته است بشریت وجهان اسلام را از شر کمونیزم والحاد در حد توان خود رهائی بخشد وامپراتوری شوروی سابق را از هم بپاشاند که با این اضمحلال وفروپاشی کشور های خرد وبزرگ زیادی در جهان به استقلال وآزادی خود رسیدند.

و از جانب دیگر طوریکه بهمه واضح وروشن است امروز زندگی هر جامعه وملتی در جهان بدون رابطه با سائیرجهان وکشور های مختلف دیگر بطور مستقلانه امکان پذیر نبوده و دنیای امروزی ما دنیای روابط و همکاری- های متقابل میان دولت ها وملت ها بوده می با شد چنانچه کسی نمی‌تواند از نقش همکاری‌های منطقوی و بین‌المللی میان کشورها و دولت‌ها ومناسبات مختلف فرهنگی زبانی نژادی اعتقادی وخویشاوندی میان ملت ها انکار ورزد. تا جاییکه می‌توان ادعا کرد: هیچ کشور و ملتی دردنیا نمی‌تواند بتنهایی بدون روابط حسنه و همکاری متقابل با دیگر کشورها زندگی کاملاً مستقلانه داشته باشد. زیرا خواهی نخواهی هر کشوری نسبت به کشورهای دیگر بنحوی احساس ضرورت و نیازمندی می‌کند. چه زیبا و خوب می‌بود اگر روابط کشورهای جهان با یکدیگر بر اساس حسن نیت، تفاهم و همکاری، برابری و برادری استوار بودی و هیچ کشوری نسبت به کشور دیگری احساس برتری و یا کمتری نکرده و از دید انسانی، خوشبینی و تفاهم و همکاری با یکدیگر چنین روابط انسانی وهمکاری متقابل داشتی و در نهایت انسان بتوانیستی از این طریق در جهان عاری از کشمکش ها و تنش ها زندگی کرده و خوشبختی‌ها را صاحب شدی!

کشور عزیز ما افغانستان بعد از فراموشی و بحال خود رها کردن مدت طولانی بخصوص از سال ۱۹۹۱ الی سال ۱۹۹۴ از جانب جامعۀ جهانی که این ترک و رهائی منجر به عواقب ناگواری نه تنها در افغانستان بلکه در سطح جهان و منطقه گردید امروز جامعۀ جهانی و افغانستان مشترکاً تاوان آن همه عواقب گذشته را می- پردازند که اگر دنیا افغانستان را فراموش نمی‌کرد شاید امروز این همه مشکلات دامنگیر جهان و افغانستان نمی‌گردید.

با آن هم بعد از تشکیل کنفرانس بن و شکل گیری دولت مؤقت و انتقالی افغانستان توانست قدم‌های را در سطح روابط خود با جهان و کشورهای منطقه و همسایه طوریکه آغاز شده بود ادامه دهد ولی حضور نیروهای خارجی و بین المللی در افغانستان و حضور اتباع کشورهای عربی و اسلامی در کنار سازمان القاعده و ادامه ی جنگ بین نیروهای بین المللی و این سازمان آن هم متاسفانه در سرزمین افغانستان از یکسو و اشتباهات اولی حکومت بوش در اوایل جنگ که جنگ را بتعبیری گویا بین اسلام و مسیحیت تلقی کرده بود از سوی دیگر (که این جنگ در سرزمین افغانستان متاسفانه ادامه داشت) این ها همه به عنوان عوامل منفی خواهی نخواهی اثرات منفی خود را بر بالای کشورهای محافظه کار عربی واسلامی وبخصوص ملل مسلمان داشت تا آن ها نسبت به افغانستان بنحوی احساس سردی و دوری کنند بخصوص شیخ های ثروتمند عرب که دست باز مالی نیز داشتند و می توانیستند جریان های ضد حکومتی را از نظر مالی کمک ویاری نیز کنند و بر دولت های خود اثر گذار باشند که خوشبختانه امروز بعد از گذشت چندین سال فکر می شود که شناخت کشورهای عربی واسلامی نسبت به افغانستان بخصوص با اعلان خروج وکاهش نیروهای خارجی از این کشور در حال تغییر مثبت بوده و ممکن شناخت و برداشت آن ها نسبت به افغانستان تا حدود زیادی تغییر کرده باشد. بخصوص با آغاز عملی کاهش وخروج نیروهای خارجی از افغانستان و موضعگیری ها واقع گرا یا نه و استقلال طلبانه افغانستان که انعکاسات خود را در بیرون از افغانستان در جهان اسلام نیز داشته و کشور های مختلف اسلامی از موضعگیری افغانستان نسبت بحضور و عملکرد نیروهای خارجی و بین المللی بطور مشخص معلوماتی دارند از این جهت همه جهانیان وبخصوص کشورهای عربی و اسلامی را ممکن به این درک واقعی وعلنی رسانیده باشد که افغانستان بعنوان کشور مستقلی از خود اهداف مشخص و معیین دارد و ملت مجاهد افغانستان گوش به فرمان هیچ قدرت خارجی نبوده بلکه منافع ملی کشورش هر آنچیزی را که تقاضا کند بدنبال همان است و بس. در این راستا هر اندازه که دولت افغانستان بتواند نزدیکی روابط کشور خود را با کشور های اسلامی وعربی توسعه وگسترش بیشتری دهد بمنفعت افغانستان خواهد بود و این روند در آینده هر چه بیشتر اگر توسعه یابد سبب نزدیکی ما با جهان اسلام وملل مسلمان بیشتر خواهد گردید. و سزاوار آن است تا مثلیکه امروز روابط کشور ما با اروپا و امریکا و کشورهای منطقه و همسایه به استثنای بعضیها نیک وحسنه است با سائیر کشورهای عربی و اسلامی دیگر در حال انکشاف و رشد بیشتری قرار گیرد و در داشتن روابط سیاسی و بازگشایی سفارت خانه ها و قنسلگری های خود در کشورهای همسایه و منطقه وکشور های اسلامی دور ونزدیک بازنگری داشته باشیم (چه درک داشتن روابط حسنه باکشورها و سیاستمداران و زمامداران جهان ص۵

تناقض میان تلاش های صلح...

طالبان در اعلامیه ای که بعد از چند روز سکوت منتشر ساختند، مشخص نمودند که با امریکا طرف اند. نامی از دولت افغانستان در این اعلامیه نیامده است.

طالبان در ابتدا پیش شرط هایی را برای مذاکره با امریکا مطرح ساخته بودند که مهمترین آن خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان بود. این شرط همچنان به جای خود باقیست. حزب اسلامی حکمتیار هم با اعزام هیئتی به کابل، خواهان پایان کامل اشغال افغانستان از جانب نیروهای خارجی شده است. بنابراین امضای قرارداد استراتژیک می تواند چالشی در برابر تلاش های صلح به شمار آید.

اما در طول ماه های گذشته صحبت های زیادی میان طالبان و بعضی از شخصیت های با نفوذ در جهان اسلام از جمله شیخ محمد یوسف قرضاوی و رئیس شبکۀ تلویزیونی الجزیره با نماینده های طالبان صورت گرفته است. حکومت قطر زندگی افراد طالبان را که به این کشور می آیند تضمین کرده است.

طالبان اهمیت زیادی به شبکۀ تلویزیون الجزیره قایل اند. مدتی قبل دولت قطر به جای رئیس این شبکه که یک فلسطینی عضو حماس بود، یک تبعۀ قطر را به این سمت برگزید.

وقتی مذاکرات صلح با گروهی در جریان است که تا کنون هیچ تمایلی به قبول دولت افغانستان به عنوان یک دولت مشروع از خود نشان نداده است، امضای قرارداد استراتژیک از جانب کشورهای دیگر با دولت افغانستان تا کدام حد می تواند از مشروعیت لازم برخوردار باشد؟

اگر تا دیروز امریکا طالبان را یک گروه باغی و متمرد می دانست و در نرم ترین موقف خویش می گفت که قبل از هر مذاکره ای باید این گروه، قانون اساسی و نظام موجود در افغانستان را به رسمیت بشناسد، امروز این خواست خود را تعدیل کرده و با کسانی به مذاکره می پردازد که هنوز نام های شان از لست های سیاه حذف نشده است. این تحول بزرگ به معنی آنست که طالبان در نظام آیندۀ این کشور نقش خواهند داشت. بنابراین امریکا در رابطه با امضای قرارداد استراتژیک با افغانستان، به نظر مساعد طالبان نیز نیاز دارد. اگر چنین نشود، امضای این قرارداد با دولت موجود افغانستان از طرف امریکا ویا سایر کشورها، می تواند به پروسۀ صلح و مذاکره زیان وارد سازد.

تاکید امریکایی ها بر بازرسی های شبانه را می توان یک نوع بازی با حکومت افغانستان تلقی کرد. اگر واقعا امریکا قصد دارد مذاکرات صلح با طالبان به نتیجۀ مطلوب برسد و جنگ در افغانستان پایان یابد، پس نیازی به ادامۀ این گونه عملیات نخواهد بود. امریکا با تاکید بر ادامۀ عملیات شبانه، دولت افغانستان را مصروف ساخته است و خود می خواهد مشکل افغانستان را با مذاکره با طالبان حل نماید.

هرچند گفته می شود که قرار است مذاکرات میان دولت افغانستان و امریکا بر سر پیمان استراتژیک به زودی از سر گرفته خواهد شد اما شکی نباید داشت که این مذاکرات تا حدی که امریکا می خواهد، طولانی خواهد بود تا مذاکرات با طالبان به نتیجه برسد.

از جانب دیگر امریکا قصد دارد ساز و سامان جنگی خویش به ارزش حدود سی میلیارد دالر را از افغانستان بیرون نماید که شامل سلاح و مهمات جنگی است. از نظر امریکایی ها لزومی ندارد که این وسایل مدرن جنگی بعد از خروج نیروهای امریکایی در افغانستان باقی بماند. برای آنانی که انتظار داشتند امریکا برای یک مدت طولانی در افغانستان خواهد ماند، این خبر خوشی نیست. بیاد می آوریم زمانی که نیروهای اتحاد شوروی قصد خروج از افغانستان را داشتند، مقادیر فراوانی سلاح و امکانات رزمی مدرن را تازه وارد افغانستان کردند تا حکومت بجا مانده از دوران اشغال آنان، توان دفاع از خود را داشته باشد. شاید امریکا وقوع یک جنگ داخلی دیگر را در افغانستان پیش بینی می کند و نمی خواهد سلاح های این کشور در چنان جنگی بکار گرفته شود.

روس ها کار ملیشه سازی را پس از اتخاذ تصمیم خروج از افغانستان به شدت دنبال کردند و این کار را امریکایی ها هم به شدت پیش می برند.

در چنین شرایط نابسامان و مبهم، امضای هر قرارداد استراتژیک با خارجی ها فقط در حد یک اقدام فاقد ارزش اجرائی مطرح خواهد بود مگر اینکه افغان ها با استفاده از تجربۀ ده ها سال جنگ، خود به این نتیجه برسند که خود به حل مشکلات خویش بپردازند و آیندۀ روشنی را برای کشور خویش با دست خود رقم بزنند.

تعبیر واژهٔ وزیر و چند واژه دیگر

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

زبان و ادبیات دری در عهدی عباسی ها نسبت به هر وقت دیگر انتشار بیشتر داشته است که از آن جمله استعمال و کاربرد واژهٔ وزیر در این دستگاه می باشد.

باید گفت که ایجاد و سیستم کرسی وزارت از مواریث خراسانیان می باشد. اندیشه ورزان خراسانی کرسی وزارت را در امور کشوری و لشکری به وجود آورده بودند. باید گفت که واژهٔ وزیر قبل از اسلام و در میان اعراب دارای مفهوم بوده است. طوری که در قرآنکریم ذکری از این واژه به زبان موسی آمده است.

"و اجعل لی وزیراً من اهلی هارون اخی" آیه ۲۹– ۳۰ سوره طور.

و در حدیث سقیفه می خوانیم: سخن الامرء و انتم الوزراء. در دولت اموی واژهٔ وزیر، کاربرد داشته است، طوری که طبری می گوید: " زیاد به نام وزیر معاویه یاد می شد، در طبقات ابن سعد چنین آمده است: "إن ابابکر کان وزیراً للنبی ص". در طبقات الشعراء إبن قطیبه از زبان شاعر جاهلی اباذوئب هذلی چنین می خوانیم:

الم تنتقذ ما من إبن عویمر
و أنت صفی نفسه و وزیرها

به نظر ابن خلکان در مورد اشتقاق واژهٔ وزیر دو قول وجود دارد. یک نظر چنین است که این واژه از مادهٔ وزر؛ یعنی حمل و بار اشتقاق یافته است؛ زیرا وزیر دشواری های امور شاه را به عهده داشته است که إبن قطیبه به این نظر اصرار می ورزد؛ اما قول دوم در مورد اشتقاق این واژه وزر؛ یعنی کوه می باشد؛ زیرا کوه وسیلهٔ نجات در روز های دشوار می باشد و شاه می تواند چون کوه به وزیر خود اعتماد نماید و از مشوره های فکری، دانش و خبرت آن استفاده کند، طوری که می بینیم وزراء دربار عباسی ها از چنین فهم و تجارب علمی بر خوردار بوده اند و همواره شاه را در امور مهم یاری رسانیده است، بیشترین دانشمندان این اشتقاق را مرجح دانسته و اصل کلمه را عربی خوانده اند.

برخی از مستشرقین این واژه را بر گرفته از (ویچیر) پهلوی می دانند که مفهوم امر، تقریر و گزارش را إفاده می کند. رواج این واژه مربوط به عهد عباسی ها نیست؛ بلکه إنشاء و تاسیس این کرسی و مقام دولتی در دستگاه این حاکمیت می باشد. این مقام بزرگ دولتی قبل از دورهٔ عباسی ها با چنین عظمت وجود نداشته است.

إبن خلکان در مورد ابی سلمه الخلال می گوید: "أبا سلمه نخستین کسی است که به وی نام وزیر داده شده بود و به نام وزیر دولت عباسی مشهور گردیده بود". قبل از وی در دولت اموی ها کسی به نام وزیر شهرت نداشته است. کرسی وزارت در عهد حکومت عباسی ها دارای ضوابط، قاعده و مقررات خاص گردیده و قبل از این دوره این مقام به نام کاتب و مشیر یاد می گردید؛ طوری که عبدالحمید را کاتب عبدالحمید می گفتند، نه وزیر. تعدادی از وزیران حکومت عباسی از مردمان خراسان بوده است. أبو سلمه خلال نخستین وزیر عباسی بود و از موالی فرس محسوب می شد، أبو ایوب موریانی وزیر منصور عباسی از قریه موریان مربوط اهواز بوده است. به همین گونه یعقوب بن داود وزیر مهدی، یحیی بن خالد برمکی وزیر هارون الرشید، فضل بن سهل وزیر مامون، حسن بن سهل، احمد بن یوسف، یحیی بن یسار که همه خراسانی بوده اند. این وزیران در امور کشوری جانشین خلیفه بوده و کار های مهم شاه را سازمان می دادند و هر بخش از مملکت را یک وزیر إداره می کرد. مثل وزیر حرب، وزیر مالیه و محاسبات، وزیر ترسل و مخابرات، وزیر حدود و ثغور و غیره.

از ویژگی های این وزیران داشتن علم، فرهنگ و دانش در زمینه های مختلف علوم بوده است، طوری که تعدادی از این وزیران به نام رجال سیف و قلم نیز یاد می گردیدند. قسمی که می دانیم فضل بن سهل برمکی به این نام و لقب شهرت یافته بود. شرایط وزیر شدن را همانا فصاحت، بیان، آگاهی، اخلاق نیکو و مهارت در فن نویسندگی تشکیل می دهد. این وزیران دارای کفایت علمی و بلاغی نیز بوده اند؛ طوری که ابو سلمه خلال شخص فصیح، عالم به اخبار، اشعار و سیر و جدل بود.

گفته می شود که اعراب دارای فصاحب زبانی بودند، تا اهل کتابت و بلاغت. به سخن دیگر قدرت کتابت و نویسندگی در میان خراسانی ها نسبت به اعراب بیشتر بوده است. وجود خبره گان خراسانی در دربار اموی ها نیز وجود داشته است. عبدالحمید کاتب و سالم مولی هشام را می توان از زمره این رجال نام برد.

اعراب بیشتر به شمشیر و زبانش افتخار می نموده است، نه به قلم و نویسندگی و تا سال های اخیر عرب شمشیر را بر قلم ترجیح می داده است. این وزیران دارای منشی نیز بوده اند که تعدادی از این منشیان نیز از مردمان خراسان بوده اند. این وزیران و منشیان هر کدام به نوبهٔ خود، زبان، فرهنگ و ادب خراسانی را در قلمرو ادبیات عرب گسترش دادند. إبن قطیبه به نوشتن ادب کاتب دست یازید؛ سپس ابوبکر الصولی ادب کاتب را وسعت داد که شامل نجوم، هیأت، فلسفه، جوهر و عرض و غیره می گردید. ابوبکر الصولی پیرامون حسن خط، شیوهٔ نقطه گذاری، دوات، قلم، صحافت و چیز هایی در مورد قواعد املاء و انشاء را در کتاب خود عنوان کرد.

إبن درستویه متوفی (۳۴۶ هـ) کتاب را نوشت و این کتاب شامل قواعد املاء و انشاء و تبویب می باشد. همچنان در این کتاب قاعده جمع مفرد، مذکر، مونث و مثنی را به بحث گرفت، تا اینکه نویسندهٔ کتاب صبح الاعشی فی ضاعهٔ الانشاء که از دانشمندان عرب بود، روش این نویسنده را در نوشتن کتاب تعقیب نمود.

عبدالحمید کاتب نویسندگان را تشویق می نمود که در پخش و اشاعهٔ علوم و فنون همت گمارند، و از حسن خط استفاده نمایند. واژهٔ ادب در صدر اسلام به مفهوم تهذیب اخلاق اطلاق می شد، تا اینکه این واژه، شامل علم و آگاهی از لغت، شعر و جنگ های عرب و تاریخ آن گردید. وقتی این وزیران و نویسندگان در ادارهٔ عباسی ها شامل گردیدند، فرهنگ عرب دارای وسعت و گسترش بیشتر گردید. تا اینکه اصطلاح: گرفتن از هر چیز به قدر ضرورت، در مورد ادب رایج و شهکار های فرهنگ بیگانه، به ویژه فارسی داخل حوزه تمدنی عرب گردید.

البهرج – از کلمه فارسی دری بهره آمده است و هاء آخر کلمه به اسم عرب ها به جیم تبدیل شده است. به قول جوالیقی بهرج در هم ناسره و جعلی را گویند. بهرج در عربی به مفهوم مباح نیز به کار رفته است؛ مثل: بهرج دمه یعنی خونش را مباح کرد که جمع آن بهارج است و به شکل تبهرج که جمع آن تبهرجات است، نیز آمده. ادی شیر به این نظر است که از واژهٔ بهرج فعل بهرج و مصدر آن (بهرجه) را مشتق کرده اند.

مرج – معرب مرغ جزء اول کلمه مرغزار (مرغ + زار) که جمع آن در عربی "مروج" شده و مسعودی مورخ عرب کتاب معروف خود را به همین نام "مروج الذهب" نام کرده است.

لجام – معرب لگام کلمه لجام در اشعار شاعران قدیم و حدیث حضرت رسول اکرم ص نیز آمده است:

"عن ابی هریره قال قال رسول الله ص: من سأل عن علم علمه ثم کتمه الجم بلجام من نار"؛ از کسی که چیزی را می داند و حقیقت را پنهان نگهمیدارد، در روز قیامت لجام آتش به دهن او زده می شود. در این حدیث شریف از کلمه لجام که اسم است فعل الجم ساخته شده است و از این کلمه امروز نیز فعل ساخته می شود. الجمت الفرس (به اسپ لجام زدم).

سفر نور

عبدالاحد تارشی

به مناسبت سالروز هجرت پیامبر گرامی اسلام از مکهٔ مکرمه به مدینهٔ منوره

مکه آن روز ز غم گریان بود
جان محزون و تن بی جان بود
نه زخورشید فلک بود کباب
که زخورشید رخی بریان بود
مهر او قصد سفر کردن داشت
ماه او یک دو نفس مهمان بود
شعله ور بود شراری به تنش
گرچه از اشک همه باران بود
سنگ سنگش به تپش بود ز درد
ریگ ریگش ز الم نالان بود
سبز ناگشته بهارش می رفت
این خزان دیده چسان بستان بود
زمزمش چشمه و او آب حیات
کعبه اش عاشق و او جانان بود
آنکه در موطن خود جای نداشت
بیگمان بر دو جهان سلطان بود
آنکه بر هفت فلک می نازید
هرکه بر در گهٔ او دربان بود
آسمان تشنهٔ نور سخنش
خاک را گرد رهش درمان بود
ماه بطحا سوی یثرب می رفت
عشق هم غمزده هم شادان بود
عشق گه ریگ بیابان می شد
گاه فرش رهٔ جانان می شد
گاه حیدر شده در بستر او
خفته آمادهٔ قربان می شد

گاه صدیق شده جان به کفش
همرهٔ دوست شتابان می شد
گاه مصعب شده و گاه بلال
گاه دل می شد و گه جان می شد
گه خدیجه شده و در تاریخ
بانوان را شرف و شان می شد
گه کبوتر شده و بر لب غار
پردهٔ آن مهٔ تابان می شد
گاه در شکل زن و مردی چند
همه تقوا همه ایمان می شد
بردگانی همه آزاد شده
معنی حضرت انسان می شد
گاه از حنجرهٔ یارانش
ناله و گریه و افغان می شد
ملک از طارم اعلی می دید
این فداکاری و حیران می شد
هجرت نور قیامت می کرد
در دل مکه ز غم طوفان بود
در مدینه ز فضا گل می ریخت
از دل عرش خدا گل می ریخت

آسمان بوسه به خاکش می کاشت
مه جدا مهر جدا گل می ریخت
باغ ایمان به بغل داشت نسیم
کوچه کوچه همه جا گل می ریخت
کهکشان داشت دوصد دامن نور
انجم از بارقه ها گل می ریخت
ازدحامی ز ملک گل می کرد
هریکی تا ز سما گل می ریخت
شهریار دو جهان می آمد
به سرش بال هما گل می ریخت
عشق هم از قدمش گل می چید
هم برآن قد رسا گل می ریخت
سنگ گرما زده می رست بهار
دشت تفتان سر و پا گل می ریخت
بوستان " طلع البدر" ز شوق
برسر سرورما گل می ریخت
نغمهٔ کودک یثرب سر دوست
واژه واژه ز ثنا گل می ریخت

بذر تاریخ نوی می افشاند
گرد راهی که بسی تابان بود
تشنگان چشمهٔ انوار آمد
بیدلان مژده که دلدار آمد
ای همه دیده براهان بهار
گل بچینید که گلزار آمد
بردگان شام اسارت سر شد
مهر برکف شهٔ احرار آمد
عطر وحی از نفسش می بارد
هان خبردار که عطار آمد
مشکبیز است و معطر سخنش
با احادیث گهربار آمد
زندگی تشنهٔ دیدارش بود
آنک آن ماه پدیدار آمد
ظالمان دست بگیرید ز جور
دست حق از سوی دادار آمد
آنکه با بیکس و بیچاره انیس
وانکه با غمزده شد یار آمد
عدل و تقوا به جمالش مشتاق
خیر و خوبیش خریدار آمد

دل و جان فرش رهش بنمائید
که دل و جان، سر و سردار آمد
گفتگوی همهٔ منتظران
این سخنهای عبیر افشان بود
یثرب آن ماه چو در بر بگرفت
جای شک را همه باور بگرفت
سینه ها را دل دیگر دادند
دیده ها بینش دیگر بگرفت
عدل شد پایه و انصاف اساس
حق نقاب از رخ انور بگرفت
دشمنی رفت و اخوت آمد
"خصم"را جای"برادر" بگرفت
برده در کشت گلستان حقوق
سهم با خواجه برابر بگرفت
عشق شد مالک دلها همه جا
شهر جانها همه یکسر بگرفت
از یکی اشک ز مژگان بسترد
وز دگر از نگه اخگر بگرفت
آدمیت بنهادش بر کف
تیغ از دست ستمگر بگرفت
"تو"ی ایثار به جایش بنهاد
"من" انکار چو از سر بگرفت
صلح بود او که بگیرد رهٔ جنگ
جنگ شد وی که رهٔ شر بگرفت
دین او جان همه خوبیها
هجرتش رحمت بی پایان بود



رهبری عملیات شبانه به نیروهایی ویژهٔ داخلی
گامی به جلو

نذرالله عنایت

حضور نیروهای خارجی طی ده سال گذشته درکشور، جنگ و درگیری آنان با شورشگری از طریق دو راهکار عمده، از نتایج ملموس عملیاتی برخوردار بود. یکی عملیات های جنگنده های بی سرنشین در آن سوی سرحد، دوم هم عملیات های شبانهٔ نیروهای ویژه در داخل کشور.

اما هر دو موارد، حساسیت هایی را در داخل و خارج برانگیخت. پاکستان به دلیل این که ادامهٔ این گونه عملیات ها همراه با نقض حاکمیت در آن کشور می باشد، سرو صدایی را در حلقاتی بیرونی راه اندازی نمود و بدین گونه متحدین خود را زیر فشار قرار داد، تا دست از عملیات های جنگنده های بدون سر نشین بردارند. در پیوند به این موضوع و پس از کشته شدن۲۴ سربازان پاکستانی در نوار مرزی افغانستان، روابط دو متحد جنگ با تروریسم در نهایت خود رسیده است.

همچنان در افغانستان سران قبایل به بهانهٔ این که خانه هایی، آنان از طرف نیروهای خارجی تلاشی می شود، آن را نوعی هتاکی دانسته و از موضوعات ننگ و ناموس قلمداد نمودند. سران اقوام و قبایل در دیدارهای که با رئیس جمهور داشته اند بارها این موضوع را به حامد کرزی گوشزد نموده و از او خواسته اند، تا جلو این گونه عملیات ها را بگیرد. در مقابل نیروهای ناتو عملیات های شبانه را بخشی مهمی از برنامه های خود برای سرکوب طالبان می دانند و می گویند در نتیجهٔ عملیات های شبانه که با مصرف و نیروی کم انجام می شود، به دستآوردهای قابل ملاحظه دست یافته اند. اما نارضایتی مردم از بازرسی شبانه خانه های شان توسط نیروهای خارجی، باعث شده است که آمار نارضایتی در میان مردم از نیروهای خارجی و دولت مردان افغانستان افزایش یابد.

بدین ترتیب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان، برای چندمین بار خواستار توقف فوری این عملیات ها شده است.

حساسیت شخص رئیس جمهور وقتی زیاد شد که یکتن از موی سفیدان قوم پوپلزایی که گفته می شود، منسوب به قبیلهٔ رئیس جمهور است، با غصه و قهر به او گفت: "دیگر تحمل تلاشی هایی شبانه را مردم ندارد". حامد کرزی در سخنرانی افتتاحیهٔ لویه جرگه سنتی که دو ماه پیش در کابل برگزار گردیده بود، بستن هر نوع پیمان یا امضای توافقنامه را با امریکا، توقف عملیات شبانه از سوی نیروهای امریکایی و ناتو عنوان نمود.

ادامهٔ عملیات های شبانه که عمدتا از سوی نیروهای ناتو انجام می شود، طی دو سال اخیر باعث بروز تنش میان دولت افغانستان و نظامیان ناتو شده است. این در حالی است که نیروهای امریکایی در هر دو موارد دست آورد های زیادی را داشته و بسیاری از مخالفان مسلح دولت را طی این مدت یا دستگیر نموده اند و یاهم به دیار نیستی سوق داده اند.

گفته می شود که نیروهای ناتو به درخواست مقامات افغانستان توجه نکرده اند، اما تأکید کرده است که رهبری این گونه عملیات ها را در آیندهٔ نزدیک به نیروهای داخلی واگذار کنند.

در ادامهٔ مخالفت های گسترده علیهٔ عملیات های شبانه در مناطق که گمان می رفت شورشیان در آن جا ها لانه گرفته اند، وزارت دفاع ملی اعلام نموده است که از این بعد، نیروهای ویژهٔ افغانستان مسؤولیت اجرای عملیات شبانه را از نیروهای ناتو برعهده می گیرند. جنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان، در این اواخر در تماسی که با رسانه های برون مرزی داشت گفته است که صدها نفر از نیروهای ویژهٔ داخلی از سوی نیروهای امریکایی آموزش می بینند و انتظار می رود، تاچند ماه دیگر آماده اجرای عملیات های شبانه شوند. به گفتهٔ سخنگوی وزارت دفاع ملی، در میان واحد های کماندو کشور زنان نیز شامل اند که در آیندهٔ نزیک پس از فراگرفتن فنون حربی با وسایل پیشرفته تمویل و تجهیز می گردند. حضور زنان در میان کماندوها، یک خبر خوش برای مردم افغانستان است، زیرا با حضور آنان حساسیت های بازرسی در میان سران قبایل و خانواده ها بر طرف می گردد.

به گفتهٔ آگاهان از چند سال بدین سو، کار بالای ظرفیت سازی این نیروها آغاز شده و در حال حاضر تمام عملیات های شبانه مشترکاً صورت می گیرد.

اکنون که نیروهای ویژهٔ خودی، آماده شده اند، تا رهبری عملیات های شبانه را به عهده بگیرند، آیا می توانند عملیات های مؤثر را در جنگ با شورشیان انجام بدهند؟

کارشناسان مسایل جنگ می گویند: در صورتی که نیروهای ویژهٔ کماندو با سلاح و مهمات کافی تجهیز شوند، می توانند بدیل خوب برای نیروهای خارجی در جنگ با شورشیان شوند.

آگاهان بدین باور هستند که بالآخره از افغانستان، باید فرزندان این آب و خاک دفاع نمایند و نمی توان، برای همیشه انتظار داشت تا نیروهای خارجی در این خاک بمانند و از مرزهای ما دفاع کنند. در حال حاضر کشور بدلیل جغرافیای پیچیده نامتوازن و تهدیدات بالفعل ، ۳-۴ هزار نیروی ویژهٔ رزمی ضرورت دارد.

هر چند هنوز نیروهای امنیتی کشور از ظرفیت کافی برای دفاع مستقلانه برخوردار نیستند، اما انتظار می رود که طی چند سال آینده تمام نیروهای دفاعی و رزمی قادر به هر نوع کنش و واکنش در برابر تهدیدات دشمن بوده باشند.

روند انتقال مسوولیت های امنیتی از یک سال بدین سو از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی کشور ادامه دارد، و تا به کنون در چندین شهر و برخی از مناطق جنوبی این پروسه تحقق یافته

د گاوندیانو نا اعلان شوی...

اړتیاوې پوره کوي او ورته غذاي توکي او خوراکي شیان او یا نوري ژمنې اړتیاوې رارسوي او پدې مالونوکې ځینې داسې هم شته چې د ورځو په اوږدو سره یې د خرابېدو امکان همه شته دی.

پداسې حال کې چې پدغو لاریو باندې د ورځو په تیریدو سره د دیمرج د زیاتیدو لامله د دغو توکو نرخونه هم دومره لوړېږي چې زور به یې همدغه رېړېدلی ولس ګالي او د جګړو او نا آرامیو دسېړو تر څنګه به د نرخونو د لوړ والي سپیرې هم خوري خو کاشکې چې زمونږ مسلمانو ګاونډیانو دغه حقیقت درک کولای شواي او د وچ او لامده توپیر یې کولای او د وچوپه تس کې دې لامده نه سوځوي.

او دومره خو یې باید زمونږ مجبوریتونو درک کولای چې تول افغان ولس د ناټو پوځونو کوربه ندي.

او که خبره سپینه وکړو نو دغه میلمنو ته خو لاره هم پاکستان پرانستې وه او په شمسي هډه او جیکب آباد کې یې ورته ځایونه ورکړي وو! که له امریکایې او ناټو پوځونو څخه د باج اخستلو لپاره دغه حربه کاروي نو هغه د دوي خپل کار دي چې هر څه ورسره کوي خو دعام ولس لپاره په خوراکي توکو او د ژوند نورو اړتیاوو باندې د بار لاریو مخه نیول او د کراچۍ په بندر کې او یانورو ځایونوکې یې د ډیرې مودې لپاره دغه توکي حصارول د افغانستان د ولس سره دښمني ده، باید چې ګاونډي هیوادونه د خپلې اسلامي وروروليۍ او نړیوالو سودا ګریزو نورمونو پر بنیاد زمونږ د هیواد والو ستونزې درک کړي او د سوداګریزو مالونه مخه پرانیزي او همدارنګه دافغانستان دولت او په ځانګړې توګه د سوداګرۍ وزارت چارواکي باید خپل رول ولوبوي او تل دې ددې انتظار نه باسي چې تر څو ولس یا سوداګر وزارې نو د دوی ورته بیا پام شي.

او د پاکستان هیواد خو دې باید د جهاد په موده کې د شوروي پر خلاف د افغانانو جګړه هم له خپله یاده ونه باسي چې به یې ویل، جنګ افغانستان دفاع پاکستان، نن دې دافغان مجاهد ولس نیکې هم له یاده ونه وباسي او وچ او لامده دې سره جلا کوي.

یک بحث اجمالی در مورد حقوق بشر...

حدود و ثغور آن، به صورت مترادف، برای تفهیم یک معنی به کار می رود و گاهی دو مفهوم متمایز از آنها استنباط می شود، گاهی عدالت می گویم و مقصود مطابقت قانون است و در عین حال می گوییم قانون باید منطبق با عدالت باشد.

باید دانست که عدالت چیست و بی عدالتی کدام است؟ آیا عدالت یک امر واقعی و عینی در فراسوی تصمیمات انسان ها است یا چیزی وابسته به احساس درونی و اخلاقی ما است؟ عادلانه یا غیر عادلانه صفت عملی فعل است که از آدمی زاد سر می زند و نشانگری مسوولیت برای فاعل فعل است. با همه غموض و پیچیدگی که در مفهوم عدالت موجود است، بشر همچنان درپی عدالت جهانی است و عدالت را که از مرز نظام های قضایی و اخلاقی فراتر می رود، جستجو می کند. به گفته راسل طرح جمهوریت افلاطون برای تعریف عدالت نوشته شده است و پوپر آن را معضل ترین و مبسوط ترین تک نگاری در باره عدالت می داند.

بحث عدالت، یک بحث دامنه دار در تاریخ حقوق بین الدول محسوب می شود و چهار فصل جمهوریت افلاطون که به مدینهٔ فاضله و یا دولت آرمانی مشهور است، مربوط به عدالت می باشد. اما جامعه یی که بر اساس طرح افلاطون پی ریری می شود، کشوری است در حد یک شهر کوچک که مردم در آن به سه طبقه: عوام، سرباز و فرمانروا تقسیم می شود؛ در حالی که ما امروز در جوامع متعدد و متکثر زندگی می کنیم که تقسیمات آن فراتر از جامعهٔ افلاطون است. نظم و توازن یا عدالت در کشور وقتی به وجود می آید که هر کس در هر طبقه یی که مربوط می باشد، به کار خود بپردازد و پا از گلیم خویش فراتر نگذارد.

در قرآن کریم: عدل، قسط، قسطاس و میزان را به مفهوم عدل به کار رفته است. راغب اصفهانی، عدالت را مقتضی برابری می داند و عدل را تقسیم دو شی مساوی می داند. اصفهانی عدالت را به مطلق و شر و قانون تقسیم می کند. عدالت مطلق آن است که عقل بر خوبی آن دلالت دارد و در هیچ زمانی نسخ نمی شود، مانند: نیکی در برابر نیکی و آزار نرساندن به کسی که آزار نمی رساند.

عدالت دیگر، عدالت شرعی (قانونی) است که ممکن است در برخی از زمان ها نسخ در آن راه یابد، مانند: قصاص، دیهٔ جنایات، احوال مرتد، احوال شخصی و غیره. راغب اصفهانی توضیع می دهد که عدالت مطلق به هیچ وجه جامهٔ تعدی و تجاوز را نمی پوشد و حال آن که عدالت شرعی ممکن است به صورت تعدی و تجاوز در آید؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: اگر کسی به شما تعدی کرد، به همانگونه به او تعدی کنید و باز می خوانید: مجازات بدی همانند آن است. در این دو آیه از اجرای عدالت شرعی با دو کلمه تعدی (تجاوز) و سئیه (بدی) تعبیر شده است.

امروز یک سلسله قوانین بین الملل وجود دارد که دولت ها مجبور اند از آنها پیروی کنند، از جمله پاسداشت و نگهداری از حریم و حصار حاکمیت ملی، حفاظت از محیط زیست، سرزمین، آب و هوا و.... وقتی پای ملت سازی در جهان به وجود آمد هر ملت مفاخر و حماسه های خویش را حق حاکمیت ملی خویش خواندند و این مفاخر بار عاطفی بسیار قوی در میان کشورها و ملت ها پیدا کرد. این یک امر طبیعی است که هر کس می خواهد در زندگی خود مستقل باشد و هیچ خانواده یی، مداخلهٔ همسایه را نمی پذیرد. وقتی دنیا به ملت ها تقسیم گردید و هر ملتی قدرت حاکمه یی به نام دولت پیدا کرد، طبعاً حق حاکمیت به مثابهٔ حصاری عمل می کند که مداخلهٔ بیگانگان باید در پای آن حصار توقف کند، اما این حق حاکمیت ملی در میان آسمان و زمین معلق نیست و فرشتگان موکل بر آن نمی باشند، این حق است که از طریق دولت اعمال می گردد و لازمه حکومت ملی در موجودیت عدالت اجتماعی تامین می شود و عدالت اجتماعی از یک حکومت عادل صادر می شود نه از یک حکومت قانون گریز.

وقتی افراد در داخل جامعه منافع خود را در قد و قامت این حاکمیت مشاهده نکنند، به یقین به پدیدهٔ به نام رعایت رویه ملی اعتقاد نخواهند داشت. بنا بر این باید دولت ها رویهٔ ملی را در افراد زنده نگهدارد و بر منافع افراد سعی و تلاش جدی نماید و در این صورت است که حقوق بشر در عالی ترین سطح خویش برای خود جای برای اعراب باز می نماید.

مصباح شعیب

رویدادهای مهم افغانستان و جهان در سال ۲۰۱۱ میلادی

در هر ثانیه و دقیقه و ساعت و روز و شب و ماه و سال، رخدادهای خوب و بد، بالای انسان ها پدید می آید و با تحصل رویدادها و حوادث، زمان درگذر است. سال ۲۰۱۱ میلادی نیز در افغانستان و جهان وقایع زشت و زیبای را پشت سر گذشتاند که جهانیان شاهد بودند. از جمله، خیزش های مردمی، سقوط حاکمیت رهبران دیکتاتوری که حدود ٤٠ سال حکمروایی داشتند، کشته شدن رهبر القاعده، متضرر شدن برخی مردم در بعضی کشورها، با سرازیر شدن سیلاب ها و خیزش ابهای بحر و وقوع زلزله، قتل های زنجیره ای رهبران و فرماندهان دوره های جهاد و مقاومت، توسط انفجار و انتحار در افغانستان، تعویض برخی شخصیت های رده های اول و دوم دولتی در برخی کشورها یا توسط انتخابات و یاهم با کشته شدن و از میان برداشتن شان، و ... از جمله رویدادهای است که درج تاریخ گذشتهٔ جهان شده است. اینک شما را در جریان برخی رویدادهای مهم که به دسترس بوده، قرار می دهیم.

جنوری ۲۰۱۱

اول جنوری: «دیلما روسف» مراسم تحلیف خود را به عنوان اولین رئیس جمهوری زن برزیل به جای آورد و سکان هدایت بزرگترین کشور آمریکای لاتین را به دست گرفت. «روسف» به عنوان سی و ششمین رئیس جمهوری برزیل جانشین «لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا» شد.

۱۴ جنوری: در پی اعتراض‌های گستردهٔ مردمی، «زین العابدین بن علی»، رئیس جمهوری تونس را ترک کرد و «راشد الغنوشی» به عنوان رئیس جمهوری موقت منصوب شد. «بن علی» پس از ۲۳ سال حکومت به عربستان سعودی فرار کرد.

۱۷ جنوری: مردی ۵۰ ساله خود را در مقابل پارلمان مصر به آتش کشید. این اقدام تقلیدی از خودسوزی «محمد البوعزیزی»، جوان تونسی بود که حرکت وی سرآغازی شد برای سرنگونی دیکتاتور تونس و نیز حرکت‌های مردمی علیه حکومت‌های خودکامه در جهان عرب.

۲۷ جنوری: موج اعتراض‌های مردم خواهان دموکراسی در یمن به اوج خود رسید و مردم کناره‌گیری «علی عبدالله صالح»، رئیس جمهوری این کشور را خواستار شدند. پس از ادامه اعتراض‌ها، وی با امضای طرح شورای همکاری خلیج فارس، اختیارات خود را به معاونش «عبد ربه منصور هادی» واگذار کرد.

۳۰ جنوری: ۹۹ درصد از مردم جنوب سودان به جدایی این کشور از شمال رای مثبت دادند و کشور «سودان جنوبی» رسما تایید شد. جدایی جنوب سودان از کل کشور سودان، پس از چند دهه جنگ داخلی با برگزاری همه‌پرسی انجام شد و «سالوا کر» به عنوان رئیس جمهوری جنوب سودان تعیین شد.

فروری ۲۰۱۱

اول فبروری: «ملک عبدالله دوم»، پادشاه اردن دولت این کشور را منحل اعلام کرد و پس از انجام برخی اصلاحات، «عون الخصاونهٔ» را به عنوان نخست وزیر جدید منصوب کرد.

۱۱ فبروری: حسنی مبارک، رئیس جمهوری مصر پس از حدود سه دهه از سمت خود کناره گیری کرد و دولت را به ارتش این کشور واگذار نمود و آنها نیز شورای عالی نیروهای مسلح مصر را مسوول اداره کردن امور داخلی این کشور تا زمان انتخاب یک دولت غیر نظامی کردند و این شورا در ۱۳ فبروری پارلمان مصر را منحل اعلام کرد.

۱۴ فبروری: سه روز پس از سقوط حسنی مبارک، یک فراخوان اینترنتی در لیبی خواستار برگزاری تظاهراتی در اعتراض به حکومت ۴۰ سالهٔ معمر قذافی رهبر لیبی شد و در ۱۵ فبروری معترضان در طرابلس پایتخت لیبی تجمع کردند و به این ترتیب موج اعتراضات در این کشور افریقایی گسترده شد.

۱۷ فبروری: حرکت گستردهٔ مردمی در شهر بنغازی و شهرهای شرقی لیبی آغاز شد و این روز به عنوان روز آغاز انقلاب نامگذاری شده است و ۵ مارچ ۲۰۱۱ شورای ملی انتقالی لیبی به ریاست «مصطفی عبدالجلیل» و با مشارکت نمایندگان مناطق مختلف تاسیس شد.

۲۰ فبروری: ادامهٔ درگیری معترضان لیبیایی و کشته شدن بیش از ۲۱۹ تن که این روز به نام «روز قتل‌عام» نام گرفت و پس از آن بنغازی، دومین شهر بزرگ لیبی با تلاش انقلابیون تحت کنترل آنها درآمد.

۲۶ فبروری: شورای امنیت سازمان ملل طرح تحریم لیبی را علیه رژیم معمر قذافی تصویب کرد.

مارچ ۲۰۱۱

۱۱ مارچ: نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما در جاپان در پی وقوع زلزله ۸٫۹ ریشتری و نیز سونامی‌ای که پس از آن روی داد، از مدار خارج شد و با گسترش تشعشات رادیواکتیو در منطقه فاجعه‌ای گسترده‌تر از وقوع زلزله رخ داد که مقامات جاپانی برآورد کرده‌اند ۴۰ سال طول می‌کشد تا تاثیرات مخرب انفجار این نیروگاه هسته‌ای برطرف شود.

۱۷ مارچ: شورای امنیت سازمان ملل، طرح «منطقهٔ پرواز ممنوع» را بر فراز لیبی تایید کرد. شورای امنیت اعلام کرد، این اقدام در راستای دفاع از غیرنظامیان لیبیایی صورت گرفته است.

۳۱ مارچ: کمپین نظامی ائتلاف ناتو در لیبی، با قطعنامهٔ شورای امنیت سازمان ملل با هدف دفاع از غیرنظامیان این کشور در برابر حملات نیروهای وفادار به معمر قذافی آغاز شد.

اپریل ۲۰۱۱

۱ اپریل: هزاران تن از تظاهرکنندگان در اعتراض به آتش زدن قرآن کریم، بر دفتر ملل متحد در مزار شریف حمله کردند.

۴ اپریل: «میشل مارتلی» ۵۰ ساله که پیش از این به عنوان خوانندهٔی پاپ در هائیتی فعالیت می کرد، به صورت رسمی به عنوان پیروز انتخابات ریاست جمهوری این کشور اعلام شد.

۱۰ اپریل: قانون منع استفاده از برقع در فرانسه اجرایی شد و زنانی که با آن مخالفت کنند، مجبور به پرداخت جریمه ۱۵۰ یورویی هستند. این اقدام با واکنش از سوی گروه های مسلمان و گروه های حقوق بشری که خواستار آزادی ادیان هستند، مواجه شد.

۱۱ اپریل: بحران چهار ماههٔ سیاسی در ساحل‌عاج سرانجام با دستگیری «لوران باگبو» به پایان رسید. «باگبو»، رئیس جمهوری خودخوانده ساحل‌عاج توسط نیروهای «الحسن واتارا»، پیروز انتخابات ریاست جمهوری این کشور دستگیر شد.

۱۳ اپریل: حکم بازداشت حسنی مبارک، به اتهام کشتار معترضان، سوء استفاده از قدرت و نیز فساد مالی از سوی دادستانی کل این کشور صادر شد.

۱۷ اپریل: «گودلاک جاتان» برای یک دورهٔ دیگر رئیس جمهوری نیجریه شد. وی که چهاردهمین رئیس جمهوری نیجریه و یک مسیحی است، نخستین فردی است که از منطقهٔ نفت خیز دلتای نیجر واقع در جنوب نیجریه، برای دومین بار به این مقام دست یافته است.

۲۵ اپریل: حدود ۵۰۰ زندانی طالبان با کندن یک تونل از زندان ولایت قندهار فرار کردند. در بین این زندانیان فرماندهان طالبان نیز موجود بودند

می ۲۰۱۱

۲ می: «استفن هارپر» و حزب محافظه‌کار وی پیروز انتخابات پارلمانی کانادا شدند. بدین ترتیب ۱۳ سال حکومت لیبرال‌ها پایان یافت و پس از اعتراف «پُل مارتین»، نخست وزیر کانادا به قبول شکست حزب لیبرالش در انتخابات پارلمانی، پیروزی حزب محافظه‌کار به رهبری «استفن هارپر» محرز شد.

۲ می: «اسامه بن لادن»، رهبر القاعده در حمله‌ای که از سوی پاکستان محکوم شد، توسط کماندوهای آمریکایی در منزلش واقع در «ابیت‌آباد» پاکستان کشته شد. «بن لادن» به عنوان اصلی‌ترین تروریست تحت تعقیب، برای حدود یک دهه مطرح بود و از دیدگاه بسیاری طراح اصلی حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ آمریکا محسوب می‌شد. جسد وی ساعاتی پس از مرگ، به جای نامعلومی از بحر انداخته شد.

۸ می: طالبان یک حملهٔ گروهی را بر شهر قندهار انجام دادند. این حمله سبب دو روز جنگ در قندهار شد و در آن ۲۲ نفر کشته و ۵۰ تن دیگر زخمی شدند.

۱۴ می: «دومینیک استروس-کان»، رئیس صندوق بین المللی پول و رقیب اصلی» نیکولا سارکوزی» در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ فرانسه، به جرم تجاوز جنسی در فرودگاه «جان اف کندی» نیویورک دستگیر و به بازداشتگاه برده شد.

۲۸ می: جنرال داوود داوود فرمانده عمومی پولیس زون شمال کشور، در یک انفجار به شهادت رسید. جنرال داوود زمانی که پست فرماندهی پولیس شمال را به عهده گرفت، ده‌ها عملیات را در ولایات شمال افغانستان راه اندازی کرد و تا حدی دامن ناامنی‌های گسترده در شمال را برچید.

جون ۲۰۱۱

۶ جون: جواد ضحاک رئیس شورای ولایتی بامیان شهید شد. طالبان مسوولیت این قتل را به عهده گرفتند.

۷ جون: «علی عبدالله صالح»، رئیس‌جمهوری یمن در جریان حمله به کاخ ریاست جمهوری یمن در صنعاء، به همراه تعدادی از مسوولان بلند پایهٔ این کشور زخمی شد و برای درمان به عربستان سعودی رفت.

۲۰ جون: دادگاه رسیدگی به جرائم «زین العابدین بن علی»، رئیس جمهوری سابق تونس آغاز و پروندهٔ وی در دادگاه نظامی و مدنی این کشور مورد بررسی قرار گرفت. وی بطور غیابی در تونس به جرم سوء استفاده از اموال دولتی محاکمه شد.

۲۷ جون: دادگاه کیفری بین‌المللی، حکم بازداشت معمر قذافی را به جرم انجام جرایم جنگی، سوء استفاده از اموال دولتی و کشتن غیرنظامیان صادر کرد.

۲۸ جون: طالبان بر هوتل انترکانتیننتال در مرکز شهر کابل حمله کردند که ده کشته به جا گذاشت.

۲۸ جون: «کریستین لاگارد»، وزیر صنعت، دارایی و محیط زیست فرانسه به عنوان رئیس جدید صندوق بین‌المللی پول انتخاب شد. انتصاب وی پس از استعفای «دومینیک استروس-کان» به اتهام جرایم جنسی انجام شد و این در حالی بود او تمامی اتهام ها در رابطه با جرایم جنسی را رد کرده و مرتباً اظهار بی‌گناهی می‌کرد.

جولای ۲۰۱۱

۳ جولای: «یینگلاک شیناواترا»، پیروز انتخابات پارلمانی تایلند، پس از تائید رسمی از سوی «بهومیبول آدولیادج»، پادشاه ۸۳ ساله این کشور به عنوان نخست وزیر جدید منصوب شد.«یینگلاک» ۴۴ ساله، خواهر کوچکتر «تاکسین شیناواترا»، نخست‌وزیر سابق تایلند بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ می‌باشد» .تاکسین» برای فرار از دو سال حبس خود به جرم سوءاستفاده از قدرت، در حال حاضر در دوبی و در خودتبعیدی به سر می‌برد.

۱۲ جولای: احمد ولی کرزی برادر رییس جمهور کرزی در شهر قندهار به قتل رسید. گفته شده که احمد ولی توسط یک محافظش به نام سردار محمد که از اقوام نزدیک او و سال ها محافظ و مورد اطمینانش بوده، کشته شده است.

۱۷ جولای: پروسهٔ انتقال مسوولیت های امنیتی از ولایت امن بامیان آغاز شد. امنیت مرکز و تمام ولسوالی‌های بامیان به نیروهای افغان سپرده شد.

اگست ۲۰۱۱

۲۸ اگست: «یوشیهیکو نودا»، وزیر دارایی جاپان به عنوان ششمین نخست وزیر کشورش طی پنج سال گذشته، جانشین «نائوتو کان» شد.

سپتمبر ۲۰۱۱

۲ سپتامبر: ترکیه اعلام کرد به دلیل عدم عذرخواهی رژیم صهیونیستی، سفیر این رژیم در انقره را اخراج کرده و نیز روابط نظامی خود را با تل‌آویو به حالت تعلیق درآورده است. این اقدام ترکیه به دنبال امتناع تل‌آویو از عذرخواهی از آنکارا به دلیل حمله به ناوگان آزادی که به کشته شدن شهروندان ترکیه‌ای منجر شد، صورت گرفت.

۲۳سپتمبر: «محمود عباس»، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین درخواست رسمی برای عضویت کشور فلسطین را به سازمان ملل متحد ارائه کرد. به دنبال این اقدام، کمیته چهارجانبه صلح خاورمیانه خواستار از سرگیری مذاکرات صلح میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی شد. فلسطینی‌ها می‌خواهند کشور جدید آنها شامل کرانه باختری و غزه باشد و بیت‌المقدس شرقی به عنوان پایتخت تعیین شود.

۲۴سپتمبر: «ولادیمیر پوتین»، نخست‌وزیر روسیه اعلام کرد، به عنوان کاندیدای حزب «روسیهٔ متحد» در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در ماه مارچ ۲۰۱۲ شرکت می‌کند.

۲۵سپتمبر: «ملک عبدالله بن عبدالعزیز»، پادشاه عربستان در نطقی که در مجلس شورای این کشور به مناسبت آغاز پنجمین دوره این مجلس در سال جاری ایراد کرد، با ستایش از مقام زن تصریح کرد که زنان نباید در جامعه به حاشیه رانده شوند و از این پس زنان نیز می‌توانند در مجلس شورا و شوراهای شهر در این کشور حضور یابند.

اکتبر ۲۰۱۱

۵ اکتوبر: افغانستان و هند موافقت نامهٔ همکاری‌های استراتژیک امضا کردند.

۲۱ اکتبر: «امیر سلطان بن عبدالعزیز آل سعود»، ولیعهد عربستان سعودی در سن ۸۶ سالگی در بیمارستانی در نیویورک درگذشت و پس از آن «امیر سلمان بن عبدالعزیز» جانشین وی شد.

شاهزاده «سلطان بن عبدالعزیز» از دو هفته قبل برای درمان بیماری سرطان به آمریکا منتقل شده بود و پس از مرگ، جسد وی برای خاکسپاری به عربستان منتقل شد. وی پانزدهمین فرزند «ملک عبدالعزیز» و متولد پنجم جنوری ۱۹۳۱، معاون نخست وزیر، وزیر دفاع و نیروی هوایی و بازرس کل عربستان سعودی بود.

۲۳ اکتبر: مقام‌های شورای ملی انتقالی لیبی طی مراسمی در شهر بنغازی، آزادی کامل این کشور را از نظام دیکتاتوری معمر قذافی، رسما اعلام کردند.

۲۳ اکتبر: «کریستینا فرنانڈز دی کرچنر»، معروف به زن شیک‌پوش و مبارز آرژانتین، بار دیگر آرای صندوق‌های رأی انتخابات ریاست جمهوری آرژانتین را به سوی خود سرازیر کرد و برای یک دورهٔ چهارسالهٔ دیگر، قدرت را در این کشور آمریکای جنوبی به دست گرفت.

۲۵ اکتبر: جسد معمر قذافی، دیکتاتور مخلوع لیبی و معتصم، پسرش در مکان نامعلوم در لیبی دفن شد. تنها تعدادی از اعضای دولت موقت در مراسم تدفین قذافی و پسرش حضور داشتند و این مراسم بدون حضور اعضای خانوادهٔ وی برگزار شد. «ابوبکر یونس جابر»، وزیر دفاع سابق لیبی نیز به همراه آنها در مکانی نامعلوم دفن گردید.

۲۷ اکتبر: کمیسیون مستقل انتخابات تونس، رسماً پیروزی جنبش اسلام‌گرای«النهضهٔ» به رهبری «راشدالغنوشی» را در انتخابات «مجلس مؤسسان» این کشور اعلام کرد. این جنبش توانست ۹۰ کرسی از مجموع ۲۱۷ کرسی «مجلس مؤسسان» را به خود اختصاص دهد.

۲۸ اکتبر: پس از سه قرن و با توافق رهبران ۱۶ کشور عضو جامعه مشترک‌المنافع، دختران و پسران پادشاه یا ملکه آینده انگلیس، دارای حق برابر برای وراثت تاج و تخت سلطنت شدند.

۳۱ اکتوبر: ناتو به طور رسمی به ماموریت خود در لیبی پایان داد؛ ماموریتی که از آن به عنوان موفق‌ترین عملیات ناتو یاد شد. عملیات ناتو و حملات هوایی این نیروها نقشی بسزایی در سرنگونی نظام معمر قذافی، دیکتاتور سابق لیبی ایفا کرد. ناتو از تاریخ ۳۱ مارچ با قطعنامه ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل، عملیات ایجاد «منطقه پرواز ممنوع» و موانع دریایی را در لیبی آغاز کرد و هدف از آن دفاع از شهروندان لیبیایی در مقابل قذافی اعلام شد.

نومبر ۲۰۱۱

۲ نوامبر: براساس حکم دادگاه عالی لندن، «جولیان آسانژ»، موسس سایت افشاگر ویکی‌لیکس، برای رسیدگی به جرایم خود از جمله تلاش برای تجاوز جنسی، به سوئد مسترد می‌شود. درخواست استیناف «آسانژ» ۴۰ ساله در این دادگاه پذیرفته نشد

ص۷

ای کاش می گرفت به جای تو دست مرگ جان تمام قوم و تمام قبیله را

فوزیه کوفی نماینده مردم در مجلس نمایندگان



تاریخی با نام بزرگش گره خورده بود، از کرسی فقاهت و شریعت ره به سیاست و حکومت زده بود و در این راه موانع را می شناخت و سد ها می شگافت. برای نسل های چون من تصویر او در قاب های متفاوتی متبلور می گردید، می شد او را با تمامی معنی گهی در عبای یک فقیه با شناخت های عمیق و معرفت های دقیق از اسلام واقعی دید و گاهی نیز در قبای یک سیاست ورز خردگرا، باورمند به گفتمان های کلان سیاسی و ارزش های انسانی، نگاه کرد.

شهادت پروفیسور استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت مقدس مردم افغانستان، این شهید صلح و عدالت، فراسوی بسیاری از مباحث و نوشته های فرهنگی –سیاسی؛ به دور از هر امتیاز خواهی ، شهادت ارزش هایست که در نیم سده ی پسین هزاران انسان این جغرافیا که در جمع آن ها نخبه ترین چهره های مجاهدت و رشادت برجسته و خورشید وار رخ می نمایانند، جان داده اند.

استاد شهید برترین نماد و جمع آمدی از **سیاست ورزی خردگرای اسلامی** و خرد **سیاست ورز اسلامگرا** در سه دهۀ اخیر در جهان اسلام، منطقه و افغانستان بودند.

دانش فقهی، کارزمای رهبری و تجربه ی عمیق سیاسی، رهبر شهید مان را از مرز **مرد واکنش های آنی بودن** فرسنگ ها فاصله داده بود. با این که چند سالی می شد که تیر های انتقاد سویش می پراگندند و نشانه می گرفتند اما گاهی هم خم به ابرو نیاورده بود تا به مردمانی که هم سطح خودش فهم نداشتند بفهماند که چرخه روزگار در این جغرافیای بدبخت خیلی تند دور می زند و چشم های کوتاه بین را توان دیدن و فهم مسیر آن نیست.

استاد شهید آزادی را می دانست و به آزادگی ایمان داشت و این امر او را سال های فراوانی در قله های هندوکش برای بر افراشتن پرچم آزادی و ستیزه گری با استبداد و تجاوز پیشاپیش یک نسل برهنه پا، اما دلیر و دلاور، سرکش و عیار و مسلمان و مومن کشانده بود و همچنان می کشاند.

حضور سبز و سر افراز وی در جهاد مردم افغانستان، سپس مسوولیت پذیری و اداره گری دولت اسلامی افغانستان پس از پیروزی مجاهدین بر رغم تمامی توطئه های ستیزه جویان و خیانت ورزان درونی و برونی و بعد رهبری مقاومت مقدس مردم افغانستان در برابر تجاوز پاکستانیان، همسو و هماهنگ با قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود که خود از رهروان تفکر دینی استاد شهید بودند، بستری سازی برای روند آشتی ملی و صلح در پروسه ی تاریخی بن و ایثار و از خود گذری در راه سپردن قدرت به اداره ی موقت در سال ۱۳۸۱ خورشیدی و در نهایت عهده دار شدن خطیر ترین موقفی چون ریاست شورای عالی صلح با وجود نا رضایتی های همسنگران و رهروان فراوان ؛ همه و همه نشانگر خیرخواهی ، صلح طلبی، رهبری، عدالت خواهی و سیاست ورزی خردگرای استاد شهید در کنار صد ها افتخاریست که در ۷۱ سال عمری به تمام معنا پُر بهای رهبر شهید مان، نصیب مردم ما شده است.

بی هیچ شکی مردان بزرگ چون کوه اند، با دور شدن از آن ها بزرگی شان را می شود احساس کرد، استاد شهید همین گونه بوده است و خواهد بود، مردم ما ممکن امروز و شاید نیز فردا به درستی بدانند که لاشخوران شبکه ی خون آشام استخباراتی آی اس آی هم تباران فکری و قبیله یی شان، طالبان دهشت آفرین و وحشت گستر، توطئه چینان درون افغانستانی و دشمنان تفکر انسانی، بزرگترین سرمایه فکری و سیاسی ما که میراث پنج دهه خرد و سیاست بوده است را از ما چنان ستانند که به گفته ی حافظ ترکان خوان یغما را .

فغان که لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب
چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

و اما از این خامه و به این بهانه چنین مینویسم که:

فغان کاین دشمان عزت و ایمان و آزادی
چنان بردند او از ما که ترکان خوان یغما را

و آخرین سخن این که استاد شهید! در قافله ی که تو سالار شرف و عزت آن هستی و به سوی خدا می روی و با یاران و همسنگرانت می پیوندی ، همراهان فراوانی داشته ای، و چنین مرگی شایسته ی مردی به بزرگی توست ، شهادت را خدا به همه ارمغان نمی دهد ، آن هم شهادتی برای صلح و برای بندگان خدا، این مرتبت شایسته ی آزادگی های تو بوده است، ترا خدا برای در بستر مردن نیافریده بود. هستند کسانی که در بستر خواهند مرد، به آن ها می نویسند و می گویند که او در گذشت . اما برای بزرگی چون تو همه می نویسند که شهید شده ای. روحت شاد ای شهید صلح و عدالت.

افغانستان و جهان اسلام...

تعبیر کلی از دیپلوماسی گفته می شود) که از گذشته ها تا امروز میان دولت ها موجود ومروج بوده است.

نزدیکی کشور ما با کشورهای جهان و اهمیت قائیل شدن به همکاری های منطقه‌ای وبین المللی وضرورت داشتن روابط حسنه ونیک با همه کشور ها از جمله اولویت قائیل شدن به همسایگان و جهان اسلام و جهان عرب که افغانستان جزء از جهان اسلام وستون مستحکم آن بحساب میرود بایست از جمله اولویت های روابط سیاسی کشورما بحساب رود. زیرا داشتن روابط حسنه و نیک و اعتماد متقابل میان کشورها ی جهان می تواند زمینۀ تأثیر گذاری افغانستان را در منطقه و جهان وبخصوص جهان اسلام بهتر وبیشتر مهیاء سازد . و چهرۀ واقعی افغانستان را بهمه جهان وبخصوص جهان اسلام وعرب خوب تر وبهتر معرفی کند زیرا متأسفانه هنوز جهان وبخصوص کشور های عربی واسلامی از افغانستان شناخت درست و واقعی ندارند و عملکرد دشمنان افغانستان نیز بر این معلومات غیر واقعی افزوده است چنانچه مردم افغانستان قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مفهوم ترور و تروریزم آشنا ئی نداشتند وحتی در زمان جهاد بمقابل اتحاد شوری سابق با همه سختی های جنگ از این قبیل عملیات انتحاری و تروریستی ابداً استفاده نمی کردند که با آمدن تروریست های حرفه ای این تعبیر ناMیمون نیز درفرهنگ سیاسی کشور ما راه پیداکرد و امروز متأسفانه و قتیکه نامی از افغانستان برده می شود گویاکه تروریزم و مواد مخدر بر ذهن ها تداعی می گردد که ایجاب می کند تا این مشکل برای مردم افغانستان مهم تلقی گردیده و در سطح ملی و بین المللی جهت محو و تغییر این ذهنیت و معرفی چهرۀ واقعی افغانستان در جهان همۀ ما کوشا باشیم، دولت مردان، هنرمندان، نویسندگان، سینماگران همه و همه در تغییر این ذهنیت نقش اساسی خود را ایفاء کنند که با رفت و آمد هیأت ها، ارتباط میان علماء دینی و دانشمندان، اخذ و اعطای بورسیه های تحصیلی، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، فعالیت های فرهنگی و ورزشی، تبلیغات رسانه ای، معاملات تجارتی، (صادرات و واردات)، مرغوبیت کالا ها تدویر نمایشگاهای تجارتی و فرهنگی، معرفی صنایع دستی افغانستان، آثار تاریخی و غیره هرکدام به نوبه‌ی خود می‌تواند ما را در این زمینه یاری رساند و نقش اساسی خود را داشته باشد، تا باالاخره با سعی و تلاش همه جانبه مردم افغانستان این کشور بتواند چهره واقعی و موقعیت خود را که سرشار از مهمان نوازی، نیکی، بردباری، سعه صدر و تحمل پذیری است بار دیگر بدست آورد که این همه بستگی بهمت و تلاش ما افغانها دارد تا بجهان نشان دهیم که ما ملت با فرهنگ رشید و انسان دوست در جهان بوده و خواهیم بود.

رویدادهای مهم افغانستان و جهان...

و موسس سایت ویکی‌لیکس که از مدت‌ها پیش به دلیل افشای اسناد محرمانه مورد انتقاد مقامات آمریکاست، اظهار داشت که اگر مجبور شود می‌تواند همه اسنادی که در اختیار دارد، فاش کند.

۱۰ نومبر: در پی استعفای «جورج پاپاندرئو»، نخست وزیر پیشین یونان، «لوکاس پاپادموس»، نایب رییس پیشین بانک مرکزی اروپا به عنوان نخست‌وزیر «دولت وحدت ملی» منصوب شد.

۱۲ نومبر: «سیلویو برلوسکنی» پس از موافقت سنا و پارلمان ایتالیا با طرح ریاضت اقتصادی اتحادیۀ اروپا، از سمت نخست‌وزیری خود کناره‌گیری کرده و استعفایش را تقدیم «جورجو ناپولیتانو»، رئیس جمهوری این کشور کرد.

۱۹ نوامبر: لویه جرگۀ عنعنوی در خیمۀ لویه جرگه واقع پلتخنیک کابل دایر گردید که حدود ۲۰۰۰ تن در آن از سراسر کشور اشتراک کرده بودند و روی چگونگی پیمان استراتژیک با امریکا و روند صلح در کشور مشوره هایی دادند.

۲۰ نومبر: حزب میانه‌روی «راست مردمی» متعلق به «ماریانو راخوی» با کسب اکثریت آراء در انتخابات عمومی اسپانیا پیروز شد و وی به عنوان نخست‌وزیر جدید این کشور روی کار آمد.

۲۳ نوامبر: «علی عبدالله صالح»، رئیس جمهوری یمن در جلسه‌ای که در کاخ پادشاهی عربستان و با حضور مقامات بلندپایه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اعضای حزب حاکم و احزاب مخالف یمنی برگزار شد، طرح این شورا را برای انتقال قدرت امضاء کرد.

۲۸ نوامبر: مردم مصر برای اولین بار پس از سقوط نظام حسنی مبارک، رئیس جمهوری سابق مصر برای انتخاب اعضای پارلمان این کشور به پای صندوق‌های رای رفتند. در این انتخابات ۳،۸۰۹ نامزد برای تصدی ۱۶۸ کرسی پارلمانی با هم رقابت کردند و نهایتاً حزب «آزادی و عدالت»، شاخه سیاسی گروه اخوان‌المسلمین مصر توانست بیشترین آراء را از آن خود کند و پیروز شود.

دسمبر ۲۰۱۱

۳ سپتمبر: حکومت افغانستان پس از هفت ماه کشمکش انتخاباتی باالاخره ۹ نمایندۀ معترض را که از سوی کمیسیون انتخابات برنده اعلام شدند، وارد تالار مجلس گردانید.

۴ دسمبر: اصلی‌ترین انتخابات پارلمانی روسیه آغاز شد و مردم به پای صندوق‌های رای رفتند. کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه اعلام کرد، طبق شمارش آرای انتخابات پارلمانی، حزب «روسیه متحد» به رهبری ولادیمیر پوتین، نخست وزیر این کشور پیروز شده است. پس از آن ده‌ها هزار تن از مردم روسیه در اعتراض به نتایج انتخابات پارلمانی، در بیش از ۸۰ شهر روسیه به خیابان‌ها آمدند و این تجمعات بزرگترین تظاهرات اعتراضی در روسیه، از زمان فروپاشی شوروی سابق محسوب شد.

۵ دسامبر: کنفرانس بین المللی افغانستان در شهر بن آلمان برگزار شد. در این کنفرانس وزرای خارجه و نمایندگان حدود ۱۰۰ کشور و۲۰ سازمان بین‌المللی اشتراک داشتند. در این کنفرانس جامعۀ جهانی توافق کرد تا افغانستان را در عرصه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی تا سال ۲۰۲۴ همکاری و حمایت کند.

۶ دسامبر: یک حمله کنندۀ انتحاری خود را در میان عزاداران روز عاشورا در زیارت ابوالفضل در کابل منفجر کرد و در اثر این انفجار حدود ۲۰۰ تن کشته و زخمی شدند.

۱۵ دسمبر: مراسم خروج نیروهای امریکایی از خاک عراق که در آن پرچم آمریکا پایین کشیده شد و پرچم عراق به اهتزاز درآمد، برگزار شد.

۱۷ دسامبر: این روز برابر است با اولین سالروز خودسوزی «محمد البوعزیزی»، جوان تونسی که حرکت وی سرآغازی شد برای سرنگونی دیکتاتور تونس و نیز حرکت‌های مردمی علیه حکومت های خودکامه در جهان عرب.

۱۸دسامبر: «واسلاو هاول»، دهمین و آخرین رئیس جمهوری چکسلواکی و اولین رئیس جمهوری چک، در سن ۷۵ سالگی درگذشت.

۱۹ دسامبر: «کیم جونگ ایل»، رهبر کره شمالی در پایتخت این کشور در سن ۶۹ سالگی به دلیل سکته قلبی درگذشت. مراسم تدفین «کیم جونگ ایل» در پیونگ‌یانگ برگزار شد.

۲۰ سپتمبر: استاد برهان الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح، رهبر جهاد و مقاومت، رئیس جمهور پیشین دولت اسلامی و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، در یک انفجار انتحاری در رهایشگاهش به شهادت رسید. شخص انتحار کننده چند هفته در مهمانخانه شورای عالی صلح به سر برده بود و دولت افغانستان اعلام کرد که این فرد در شهر کویتۀ پاکستان برای ترور استاد ربانی آماده و فرستاده شده بود.

۲۵ سپتمبر: به گفتۀ مقامات محلی ولایت کنرها، پاکستان صدها راکت را به ولسوالی‌های این ولایت پرتاب کرده است. این حملات راکتی چند ماه ادامه یافت و باالاخره رییس جمهور کرزی گفت، این حملات واقعیت ندارند و رسانه ها آن را تبلیغ می کنند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ بیست و نهم ۱۷ جدی ۱۳۹۰ ۱۲ صفرالمظفر ۱٤۳۳ - 7 January 2012

استاد عبدالعلي کوهی

یک بحث اجمالی در مورد حقوق بشر در جهان و افغانستان

بخش اول:

ظرف سال های آخیر مشغولیت های ذهنی، اهل قلم و اندیشه پیرامون حق و عدالت و بحث های سیاسی در مطبوعات کشور، حلقات علمی و سیاسی گستردگی خاص داشته است، گویا کفارهٔ قرن ها سکوت و بی اعتنایی در زمینهٔ دولت، سیاست، حکومت؛ به ویژه عدالت اجتماعی در این زمینه ها می باشد. مجموعهٔ نشریات و گفتمان ها در این سال های آخیر، غنی تر و پر مایه تر از سال های دور و دراز حاکمیت سال های گذشته بوده است، این خود یک دستآورد بزرگ را در عرصهٔ بحث های سیاسی به وجود آورده است. تار و پود اندیشه های سیاسی غرب در نظریهٔ حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی نهفته است. این دو نظریه در فلسفهٔ رواقی و یونان باستان وجود داشته است. این دو نظریه را درخشان ترین نظریه پردازان و چهره های فلسفی؛ مانند: اسپیبوزوا، لاک، روسو، هیوم و کانت ادامه دادنند و دنبالهٔ بحث حقوق طبیعی به ظهور و شگوفایی حقوق بشر منتهی گردید، که آن را باید مدرن ترین اندیشه در بار روابط بشری در این زمان دانست.

زندگی اجتماعی انسان ها زیر چتر حفاظتی یک قدرت برتر (حکومت – دولت) شکل می گیرد. این قدرت برتر در اجتماع، مبنتی بر ارادهٔ مردم، از همه مسوولیت می طلبد و این قدرت برتر از ارادهٔ آزاد افراد به دست می آید و از همین رو مسوول و پاسخگوی آنها می باشد و آنچه در نبود این قدرت برتر، مبنتی بر ارادهٔ جمع به وجود می آید، فراموشی از حق و آزادی، عدالت و کرامت انسانی می باشد و در نبود این حاکمیت، انسان ها آسیب پذیر می گردند و در آتش انتقام جویی و کینه توزی پایمال می گردند.

دولت ها بعد از مراحل معین تلاش های انسانی موفق گردیدند، تا روابط اجتماعی را در وضع قوانین استوار سازند، تا عدالت اجتماعی به وسیلهٔ این افزار در جامعه سراسری گردد. یکی از دلایل وجودی وضع قوانین در جوامع، ایجاد جامعه یی مبتنی بر عدالت می باشد. و فلسفه وجودی قوانین، ایجاد جامعهٔ عدالت پرور و نظام قانونمند می باشد. این قانون است که نظم اجتماعی را قیام می بخشد و روابط افراد با دیگران مشخص می گردد.

قانون دو وظیفهٔ اساسی دارد. نخست قانون حقوق را که به رسمیت می شناست باید بر اساس آن احترام و مراعات آن تنظیم گردد. از سوی دیگر در برابر کسانی که به تادیهٔ این حقوق مقاومت می نمایند، باید چاره هایی را در مقابله با سر کشان پیشبینی کند؛ یعنی در برابر آن حقوق یک سلسله ضمانت های اجرایی مقرر گردد. مالک حق دارد در مال خود هرگونه تصرف و دیگران مکلف بر رعایت حق او هستند، اگر کسی حاضر شود و حق شکنی نماید و حق مالک را نابود سازد، باید پای قوانین در میان کشیده شود به همین منظور یک سلسله قوانین در کشورها وضع گردیده است، تا این حقوق را تحکیم بخشند؛ مانند: حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق خصوصی و حقوق بین الدول.

انسان ها دارای یک سلسله قوانین الهی یا طبیعی اند که باید به آن پرداخته شود. و گاهی مراد از حقوق طبیعی، ارزش ها و آزادی های است که ملازم طبیعت انسان است و انسان به حکم انسان بودن از آنها برخورد می باشد. حقوق طبیعی یک سلسله امتیازات است که برخاسته از فطرت آدمی می باشد و با سرنوشت او همزاد است. انسان جزیی از طبیعت است، که به موهیبت خود آراسته و از آفریدگان ممتاز گردیده است. در میان جانوران تنها آدمی است که مجهز به چراغ عقل است و قادر به تمیز نیک و بد می باشد و از همین رو است که باید مسوولیت اعمال خود را پذیرا، زندگی به مقتضای فطرت و طبیعت، همان زندگی در پرتو رهنمایی عقل و احساس مسوولیت در رفتار و کردار است.

وضع یک سلسله قوانین موضوعه در حقیقت تطبیق و به اجراء در آوردن همان حقوق طبیعی است. رعایت هرگونه حق همان عدالت اجتماعی است و پیشینیان حقوق گفته اند: عدالت آن است که حق هر صاحب حق را به او بدهد (اعطاء کل ذی حق حقه) باید بدانیم که حق هر کس چیست که به او باید داد. در تعریف دیگر گفته اند: عدالت آن است که هر چیز را در جای خودش بگذارند (وضع الشی فیما وضع له) حق و عدالت با وجود اختلاف،

ص۵

د گاونډیانو نااعلان شوې اقتصادي کلابندي

رفیق بحر

افغـان ولـس لـه يـوې خـوا د څـه د پاسـه دريـو لـسيزو راهيـسيې د جګړو پـه لمبـوکې سـوځي، ځکـه د دولـت د مخـالفينو جګړو ورځـخـه امنيـت تروړلـې دي او هـم د نـاټو لخـوا د شـپې مهـال عمليـاتو وربانـدې خوبونـه حـرام کـړي دي اولـه بلـې خـوا مـسلمانو ګاونـډيانو مـو دسـوداګرو مالونـه بنـد کـړي دي او پـه زرګونـو لارۍ مالونـه کلـه د ايـران او کلـه د پاکـستان لخـوا منـع کيـږي او ددي اجـازه نـه ورکـولاې کيـږي چـې دغـه سـوداګريز مالونـه هيـواد تـه راننـوځي چـې پـدې لږکـې پـدې شـپو- ورځـوکې د افغـان سـودا ګرو ډيـر زيـات مالونـه د کراچـی پـه بنـدرکې ودرولـي شـوي دي او څـو مياشـتې وړانـدې همدغـه معاملـه د ايـران د دولـت لخـوا شـوې وه چـې پـه نتيجـه کـې يـې دنفتـي مـوادو اوګـازو نرخونـه پـه سـاړه ژمـي کـې دوه برابـره تـه ختلې وو.

او لاتـر اوسـه د هغـې د آغيـز پـه توګـه پـه کابـل او ولايتونـوکې د ګـاز او نفتـي مـوادو بيـه خپـل زاړه نـرخ تـه نـده تيتـه شـوې چـې لاملـه يـې د سـوند د نـورو مـوادو بيـې هـم سـږکال ډيـرې زيـاتې لـوړې شوې دي.

دا پداسـې حـال کـې ده چـې د دواړو ګاونـډيو هيـوادونـو سـره وخـت پـر وخـت پـدې هکلـه سـوداګريز تړونونـه لاسـليک شـوي دي او دنړيوالـو نورمونـو لـه مخـې د يـو تـړون دواړه لـورې هيـوادونـه بايـد خپلـو تړونونـو او لوظناموتـه متعهـد اوسـې خـو لـه بـده مرغـه چـې زمـونږ ګاونـډيانو افغانـستان ديـوې نـا اعـلان شـوې کلابنـدی لانـدې نيـولي دی او دهغـه چـا خبـره چـې پرتـا مـې زور نـه رسـيږي مړبـه دې پلارکړمـه هغـه کانـه اوس ګاونـډيانو د افغانـستان پـر مـسلمان ولـس شـروع کـړې ده کـه چيـرې د نـاټو سـره د ګاونـډيانو د سـرې جګـړې پـه بنـد روانـه جګـړه کـې، ګاونـډي هيـوادونـه او پـدې ورځـوکې پـه ځـانګړې توګـه پاکـستان د افغانـستان خـاورې تـه دلاريـو دمـل رسـيدلو مخنيـوی کـې دا اړينـه ګڼـي چـې د مـالونو ډکـو لاريـو پـرمخ خپلـې لارې بنـدې کـړي نـوکم ترکمـه دومـره فکـر هـم کـول پکـار دي چـې دغـه راتلـونکې لارۍ ټـولې د نـاټو لپـاره مـواد نـه رارسـوي او ټـولې د جنګـي مهمـات راوړي، بلکـې ډيـری يې هغه لارۍ دي چې د افغانستان د ربړيدلي عام ولس

۵مخ

از هشتمین سالروز تصویب قانون اساسی تجلیل بعمل آمد

فیض

قانون اساسی جدید افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان در ماه قوس سال ۱۳۸۲ شمسی در دوازده فصل، و یکصد و شصت و دو ماده توسط لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی تصویب شد. و دوسال می شود که کمیسیونی زیر نام « کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی» ایجاد گردیده تا این کمیسیون بتواند بر تطبیق قانون در کشور نظارت داشته باشد.

در کنفرانسی که روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته به مناسبت سالروز تصویب قانون اساسی، از جانب این کمیسیون در کابل دایر و قوه های تقنینیه، قضائیه و اجرائیه و جمع کثیری از مامورین عالیرتبهٔ دولتی در آن اشتراک داشتند، سخنرانان همه متفق بودند که قانون نقض می شود.

رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی که در این کنفرانس صحبت کرد گفت که، سه ماده قانون اساسی (چهار، پنج و پنجاه و هفت) توسط نیروهای بین المللی نقض شده است.

در بخشی از ماده چهار قانون اساسی افغانستان گفته شده، که حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد... در ماده پنجم این قانون آمده، که تطبیق احکام قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تامین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد. به همین ترتیب در مادهٔ ۵۷ قانون اساسی گفته شده، که دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می کند. در ادامه گفته شده، که این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

پوهاند گلرحمن قاضی ابراز امیدواری کرد که، مشکلات سد راه تطبیق قانون اساسی در کشور بر طرف شود او گفت: «قوت های بین المللی سبب نقض قانون اساسی شده که ماده ۴ قانون اساسی را نه تنها نقض کرده اند بلکه زیر سوال برده اند. به همین ترتیب ماده ۵ قانون اساسی را و حتی ماده ۵۷ قانون اساسی را و سایر مواد قانون اساسی از طرف همکاران بین المللی افغانستان نقض شده است.»

در طول این دوره دیده و شنیده شده که قانون از سوی زورمندان نقض شده است و در برخی وارد از سوی رئیس حکومت، که مجری قانون در کشور است. مردم عام بدین باور اند که، قانون و مقررات در کشور، بالای مردم عامه و بیدفاع و مستمندان تطبیق می شود در حالی که زورمندان خود قانون اند و خود قانونگذار و خود قانون شکن!

امیدواری براین است تا قانون بالای همه شهروندان یکسان تطبیق گردد. زیرا قانون و مقررات و ضابطه هاست که باشندگان یک کشور را وامیدارد تا در فضای امن و فارغ از کشمکش زیست نمایند. در نبود قانون و تطبیق آن، به یقین قانون زور و زر و تزویر حاکم می شود که سود آن را قلدران و دزدان خواهند برد.